

به نام خداوند جان و خرد

## موضوع: «جنگ نرم و براندازی حکومت»

«دوره آموزشی مدرسه عشق - سطح یک»، حوزه بسیج شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران، ویرایش اول، آذر ۱۳۹۸



«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

### تعاریف براندازی:

- ✓ براندازی، عبارت است از: تغییر سیستم سیاسی حاکم بر یک کشور، ایجاد تغییر و تحول اساسی در باورهای اصلی یک نظام. این تغییر گاهی از طریق اعمال رفتار خشونت آمیز از قبیل کودتا، ترور، تحمیل جنگ و نظایر آن با حذف حاکمان از صحنه سیاسی یک کشور صورت می گیرد و گاهی نیز تغییر سیستم سیاسی یک کشور از طریق مسالمت آمیز و با اجرای برنامه ای حساب شده و دراز مدت برای نفوذ در ارکان سیاسی یک نظام قابل اجراست و نتیجه هر دو اقدام، منجر به تغییر سیستم سیاسی و نهایتاً براندازی خواهد شد.
- ✓ نفوذ سیاسی مقدمه استحاله نظری و عملی و رسمی و قانونی است. فرآیند این الگو با تلاش برای نفوذ در لایه های درونی حاکمیت، از سطوح عالی و میانی آن آغاز می گردد و این شرایط، مقدمه ای برای استحاله قانونی یا همان براندازی قانونی می شود. [۳]

### مفاهیم واژه های جنگ نرم:

مفاهیم	واژه های جنگ نرم	ردیف
بهره برداری از ابزارهای غیرخشونت آمیز	ابزارهای جنگ نرم	۱
حمله به اهداف نرم و غیرفیزیکی	اهداف جنگ نرم	۲
بهره گیری از منابع قدرت، شامل: استعداد و توان نفوذ، اقناع و جذب	منابع جنگ نرم	۳
در یک محیط واقعی رخ داده و از فضای مجازی و فناوری ارتباطات	محیط جنگ نرم	۴
محتوا محور بوده و به موازات بسیج امکانات	فرآیندهای جنگ نرم	۵
پیامدهای غیرخشونت آمیز	پیامدهای جنگ نرم	۶

### برداشت ها، دیدگاه ها و تعاریف «جنگ نرم» (Soft War):

(۱) «جنگ نرم یک واقعیت است، یعنی الان جنگ است.» [۲، الف]

- (۲) جنگ نرم عبارت است از، اعمال قدرت نرم برای شکل دهی به باورها، ارزش ها، هنجارها، ادراکات، انتظارات، ارجحیت ها، انتخاب ها و الگوهای رفتاری فردی و اجتماعی، برای همسازی، تنظیم، کنترل و تغییر هویت سوژه انسانی و جهان ذهنی در راستای تأمین اهداف و تحقق نتایج مطلوب. [۳]
- (۳) تعریف جنگ نرم در عرصه بین المللی توسط ارتش آمریکا در مارس ۱۹۵۵ میلادی: استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اعمالی است که منظور اصلی آن تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن است به نحوی که پشتیبانی برای برآوردن مقاصد و اهداف ملی باشد. [۵]
- (۴) جنگ نرم حالت مخاصمه شدیدی است که بین کشورها پدیدار می شود و مانورهای سیاسی، مشاجره های دیپلماتیک، جنگ های روانی، مخاصمه های ایدئولوژیکی، جنگ اقتصادی و رقابت برای کسب قدرت از مختصات آن هستند. هدف های این تهاجم می توانند تضعیف روحیه، وحدت ملی، ایجاد شکاف میان مردم و حاکمیت، نافرمانی مدنی، افزایش ناکارآمدی حاکمیت و تضعیف اراده مقاومت در مردم باشد. [۳]
- (۵) جنگ نرم، اقدامی خصمانه است که با کاربرد قدرت نرم، خواهان رسیدن به اهداف سیاسی تعریف شده می باشد، به گونه ای که با افزایش سطح اثرگذاری خود برای جذب و اقناع، به روش ارزش آفرینی و مشروعیت زایی وارد عمل می شود. جنگ نرم؛ دانش بنیان، اثر محور، پنهان و فن گرایانه است و می کوشد با استفاده از آخرین دستاوردهای فنون رسانه ای با جغرافیای هدف خود، ارتباط برقرار کند. [۳]
- (۶) جنگ نرم تلاش و اقدامات عملی، توطئه آمیز و برنامه ریزی شده دشمن برای تغییر، تضعیف و تخریب باورها، ارزش ها، عواطف، هنجارها، اولویت ها و ترجیحات و رفتارهای آحاد جامعه و ساختارهای نظام سیاسی - اجتماعی کشور هدف و جایگزین باورها، ارزش ها، هنجارها و الگوهای رفتاری و ساختاری مورد نظر با بهره گیری از ابزارها، شیوه ها، منابع و فرایندهای نرم افزاری را شامل می شود. [۳]
- (۷) جنگ نرم استفاده از قدرت نرم علیه نظام های سیاسی هدف، به منظور تأثیر بر باورها و ارزش های بنیادین با هدف دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری متداول در عرصه های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن هاست. [۴]
- (۸) جنگ نرم را می توان نوعی جنگ سرد برای استحاله فرهنگی جامعه دانست. [۴]
- (۹) جنگ نرم مجموعه تدابیر فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشورهای عامل است که بر نظرات، نگرش ها، انگیزش ها و ارزش های مخاطبان اعم از حکومت ها، دولت ها، گروه ها و مردم کشورهای خارجی تأثیر می گذارد و در بلند مدت موجب تغییر منش و کنش فردی و اجتماعی آنان می شود. [۴]
- (۱۰) جنگ نرم را می توان مدیریت فرآیند و تحولاتی دانست که موجب دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی می شود. [۴]
- (۱۱) جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران، هجوم و نفوذ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی و روانی غرب علیه تمام بنیادهای نرم افزاری، مغزافزاری و سخت افزاری آن است. [۳]
- (۱۲) جنگ نرم برنامه ریزی و عملیات برای نوعی سلطه کامل در ابعاد چهارگانه: فرهنگی، سیاسی، اعتقادی و اجتماعی است که از طریق استحاله الگوهای رفتاری ملی و بومی در این حوزه ها و جایگزینی الگوهای نظام سلطه محقق می شود. [۴]
- (۱۳) مهمترین شاخص های جنگ نرم، عبارتند از: مداخله، نفوذ، حمایت و هدایت طراحی شده و توطئه آمیزِ بازیگر خارجی اعم دولتی یا غیردولتی، کشانده شدن نبرد به همه عرصه ها، تمرکز بر تمام بنیادهای نرم افزاری رقیب، دست کاری و تغییر عمده نگرش و اذهان جمعی و افکار عمومی، مورد آماج قرار گرفتن همه مخاطبان مرتبط با جامعه هدف، شبکه سازی و حمایت از گروه های اجتماعی،

تلاش برای ایجاد و افزایش شکاف بین داشته ها و خواسته ها با هدف بر هم زدن وحدت و انسجام ملی، استفاده از ابزارها و شیوه های نرم و محدود نبودن به جنگ روانی و تبلیغات از یک سو و بهره گیری از عملیات فریب، عملیات ادراکی، دیپلماسی عمومی، رسانه ای، شهروندی و ...، عملیات پنهان، اقدامات و عملیات اطلاعاتی و حتی اقدامات عملی یا به کارگیری قدرت سخت (مانند مانور نظامی)، نیمه سخت (مانند تحریم و محاصره اقتصادی) با هدف اثرگذاری روانی بر مخاطبان چندگانه از سوی دیگر و در نهایت، تلاش برای بهره گیری از همه این موارد به منظور بسیج نارضایتی های اجتماعی تولید شده با هدف انجام تغییرات سیاسی در کشور هدف. [۳]

### برداشت ها، دیدگاه ها و تعاریف «قدرت نرم» (Soft Power):

- ۱) واژه قدرت، گاهی با اقتدار، نفوذ، اقتناع، مجذوب کردن به جای اجبار یا پاداش، زور، اجبار، ترغیب، توانایی، تأثیر، توانایی برآوردن خواسته ها، تأثیر بر رفتار دیگران و ظرفیت انجام کارها، مترادف قدرت می باشد. [۳]
- ۲) زمانی که قدرت در قالب افراد جامعه و ملت مدنظر باشد، قدرت ملی نامیده می شود و عبارتست از: «مجموعه ای از توانایی های مادی و معنوی که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی قرار دارد و برای نفوذ در رفتار دیگر قدرت های بین المللی و تأثیر بر آنها در جهت رسیدن به اهداف ملی و حفاظت از ارزش های اساسی و منافع حیاتی آن به کار می رود.» [۳]
- ۳) «شما کاری نکنید که مردم از شما بترسند. شما کاری کنید که مردم به شما متوجه شوند ... کاری نکنید که دل مردم را به دست آورید.» [۱، ب]
- ۴) قدرت نرم، توان اقناع و جذب طرف مقابل و نفوذ در اوست؛ به گونه ای که او با رضایت، مطابق خواست اعمال کننده قدرت، رفتار می کند و همچنین، توانایی تعیین و تغییر داوطلبانه اولویت ها و ترجیحات دیگران و قابلیت شکل دادن به علایق، نیازها، انتظارات و تمایلات آنها در جهت اهداف و منافع خود با استفاده از منابع و ابزارهای نرم است. [۳]
- ۵) قدرت نرم، مانند انرژی باید پیوسته در حال تبدیل از یک صورت به صورت دیگر در نظر گرفته شود و وظیفه علوم اجتماعی است که قوانین این تبدیل را جستجو کند. [۳-۶]
- ۶) قدرت نرم در گفتمان غربی، دارای نگرش اومانیستی (انسان گرایی یا Humanism) می باشد.
- ۷) قدرت نرم در گفتمان اسلام ناب محمدی (ص)، دارای نگرش توحیدی می باشد.
- ۸) قدرت و قدرت ملی از حیث منابع، ابزارها، شیوه ها و اهداف، به دو بعد کلی سخت و نرم تقسیم می شود. قدرت سخت (Hard Power) از نظر منابع، ابزارها، شیوه ها و اهداف، ماهیت عینی و سخت افزاری دارد؛ در حالی که این چهار معیار در قدرت نرم (Soft Power)، نرم افزاری است.
- ۹) عناصر قدرت ملی در مطالعات قدرت از دیرباز به دو عنصر سخت و نرم طبقه بندی می شوند.

عناصر سخت قدرت ملی	
عناصر سخت قدرت ملی	نظریه پرداز
جمعیت، وسعت سرزمین، ثروت، تأسیسات سیاسی، کیفیت فرماندهی	رودولف اشتاین متر
مساحت کشور، طبیعت مرزها، جمعیت، وجود یا فقدان مواد اولیه، توسعه اقتصادی و صنعتی، قدرت مالی	اسپایک من
جمعیت، جغرافیا، اقتصاد	جوزف فرانکل
موقعیت، منابع طبیعی، ظرفیت صنعتی، تکنولوژی نظامی، تعداد جمعیت	هانس مورگنتا
اندازه جمعیت، توسعه اقتصادی	ارگانسکی
عوامل نظامی و اقتصادی	جوزف نای
-----	الکساندار ووینگ
قدرت تنبیهی، تشویقی	گالبرایت

علی اصغر کاظمی	وضع جغرافیایی، جمعیت، ارتباطات، سیستم اقتصادی، ظرفیت تولید و تأسیسات نظامی
قوام	میزان جمعیت، عوامل سیاسی، جغرافیایی، نظامی و اقتصادی
عباس نبوی	منابع طبیعی
حافظ نیا	اقتصادی، جغرافیایی، نظامی، فضایی
دهقانی فیروزآبادی	قدرت، قابلیت های نظامی و تسلیحاتی - توان و توسعه اقتصادی، صنعتی و تکنولوژیک - وضعیت جغرافیایی شامل: وسعت سرزمینی، موقعیت جغرافیایی، آب و هوا، توپوگرافی و مرزها، منابع طبیعی، جمعیت کیفی و نیروی انسانی توسعه یافته.

عناصر نرم قدرت ملی	
نظریه پرداز	عناصر نرم قدرت ملی
رودولف اشتاین متر	وحدت ملی و همبستگی، حفظ حرمت و دوستی قدرت های خارجی، کیفیت اخلاقی
اسپایک من	تجانس نژادی، میزان انسجام اجتماعی، ثبات سیاسی، اخلاق ملی
جوزف فرانکل	حکومت، عناصر روان شناختی اجتماعی، موضع استراتژیک بین المللی
هانس مورگنتا	صفات ملی، کیفیت، کیفیت حکومت، خصوصیات ملی، روحیه ملی، کیفیت دیپلماسی
ارگانسکی	کفایت سیاسی
جوزف نای	فرهنگ، ارزش های سیاسی، سیاست خارجی، توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه، نفوذ، اقناع و جذب
الکساندار ووینگ	شکوه و زیبایی و خیرخواهی، توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه با استفاده از سازوکارهای روان شناختی، نفوذ فرهنگی و توانمندی اقتصادی
گالبرایت	قدرت اقناعی، از طریق عقیده اعمال می شود. ترغیب و تبلیغ، آموزش و پرورش یا دیگر اقدامات مناسب اجتماعی که طبیعی، پاکیزه و به حق جلوه می کند، موجبات تسلیم و رضای افراد را به اراده شخص یا اشخاص دیگر فراهم می آورند. حتی فرد اطاعت کننده احساس می کند خود در انتخاب بهتر، دخیل بوده است.
علی اصغر کاظمی	استعداد علمی، سازمان اداری، موقعیت استراتژیک، ایدئولوژی، اطلاعات و آگاهی، خرد رهبری
قوام	ایدئولوژی، ویژگی های ملی، روحیه ملی، یکپارچگی اجتماعی، ثبات سیاسی، رهبری، شکل حکومت، اعتبار ملی
عباس نبوی	منابع انسانی، منابع ماورای الهی
حافظ نیا	سیاسی، علمی، اجتماعی، فرهنگی، فرامرزی
دهقانی فیروزآبادی	خصوصیات و فرهنگ ملی، روحیه ملی به معنی میزان آمادگی ملت برای حمایت از سیاست های دولت و مقدم داشتن منافع ملی بر منافع فردی، گروهی، حزبی و جناحی - ایدئولوژی و ارزش های معنوی، کیفیت و کارآمدی نظام سیاسی دولت - قدرت رهبری و مدیریت، کیفیت و کارآمدی دیپلماسی، وحدت و انسجام ملی، اعتبار و وجهه مثبت بین المللی، توسعه علمی، سرمایه اجتماعی به معنی میزان اعتماد مردم به یکدیگر از یک سو و مردم به دولت و حکومت از سوی دیگر.

### رابطه قدرت نرم با جنگ نرم:

۱. جنگ نرم و قدرت نرم، رابطه متقابلی با هم دارند.
۲. جنگ در هر شکل و قالبی بر پایه قدرت صورت می گیرد.
۳. قدرت به معنای جریان اعمال نفوذ اراده و تأثیر بر رفتار دیگران که به شیوه های مختلف اعمال می شود.
۴. جنگ نرم به دنبال تضعیف و فرسایش سرمایه های نرم افزاری دشمن است.
۵. جنگ سخت به عنوان یکی از روش های اعمال نفوذ و اثرگذاری می باشد.
۶. در جنگ سخت، می کوشد تا دارایی های سخت افزاری دشمن را از بین ببرد.
۷. کوشش می شود در عملکرد قدرت نرم، برای تأثیر بر حکومت کشوری، افکار عمومی جامعه آن کشور را تحت تأثیر قرار دهد. [۳-۸]

برداشت ها، دیدگاه ها و تعاریف «نفوذ» (Influence):

- ۱) نفوذ به معنای: اثر گذاشتن، تحت تأثیر قرار دادن (\*فرد\* گروه\* جامعه\* دولت)، اثر کردن در چیزی، جاری شدن حکم و فرمان، اعتبار، تفوق، توان هم رنگ کردن فرد با گروه، نفوذ سازمانی، نفوذ شکلی از کنش یا قدرت است.
- ۲) پول، غذا، اطلاعات، دوستی، مقام و تهدید، نمونه هایی از وسایلی اند که فرد به کمک آنها در رفتار دیگران نفوذ می کند.
- ۳) نفوذگر از منابع و ابزارهای مادی و غیرمادی برای اثرگذاری بر افکار، عواطف و رفتار بازیگر هدف بهره می جوید.
- ۴) «در این جریان مذاکرات هسته ای نیت آنها این بود که از این مذاکرات و از این توافق، وسیله ای پیدا کنند برای نفوذ در داخل کشور.» [۲، ب]
- ۵) «مذاکره آمریکا با جمهوری اسلامی ایران، یعنی نفوذ؛ مذاکره با اینها یعنی راه را باز کردن برای اینکه بتوانند، هم در زمینه اقتصادی، هم در زمینه فرهنگی، هم در زمینه های سیاسی و امنیتی کشور نفوذ کنند.» [۲، پ]
- ۶) «امروز نفوذ دشمن یکی از تهدیدهای بزرگ است.» [۲، ت]
- ۷) «ذهن مردم، ایمان مردم، دل مردم، عواطف مردم و عشق مردم است که هدف دشمنان قرار دارد و نفوذ در اینها از طرق فرهنگی است.» [۲، ج]
- ۸) وجه نرم نفوذ، تأثیر بر نگرش ها، باورها، عواطف، انتظارات و ترجیحات و الگوهای رفتاری بازیگر هدف است؛ به گونه ای که بازیگر هدف، به صورت دلخواه یا اجباری در چهارچوب اهداف و منافع بازیگر نفوذگر عمل کند. در واقع آنچه در این وجه از فرآیند نفوذ روی می دهد، رخنه و نفوذ فرهنگی است. توده مردم، نخبگان و کارگزاران در معرض این نوع نفوذند.
- ۹) در وجه فیزیکی نفوذ، رخنه دادن عامل نفوذی در نظام سیاسی یا جریان سیاسی است که در تصمیم گیری ها، تصمیم سازی ها، خط مشی ها و جهت گیری های آن نظام یا جریان، مؤثر باشد.
- ۱۰) «عامل نفوذی با استفاده از غفلت مسئولان در نهادها و سازمانهای دولتی یا غیردولتی رخنه می کند و پس از طی مسیر اداری، رشد و ارتقاء می یابد و در تصمیم سازی و تصمیم گیری ها اثرگذار می شود. همچنین در نفوذ موردی، عناصر نفوذی با زدن ماسک رفتاری یا گفتاری و در چهره دوست، در خانه افراد مورد نظر یا دستگاه و تشکیلات فرد مسئول یا دستگاه های سیاسی، حکومتی و حتی دینی که پیشینه ای طولانی دارد، ورود می کنند و در موضع گیری های آنها اثر می گذارند. همچنین فرد نفوذی می کوشد نگاه مسئول یا فرد مؤثر در حرکت های جامعه و کشور را در قبال مسائل مختلف تغییر دهد تا او همان تصمیمی را بگیرد و حرکتی را انجام دهد که آنها می خواهند.» [۲، چ]
- ۱۱) انگلیس و عوامل وابسته به آن در جریان نهضت مشروطه کوشیدند تا با فعالیت هایی مانند نفوذ در سطوح بالای نهضت، ایجاد بدبینی، دودستگی و تحریک، مشروطیت را از مسیر واقعی خود که ایجاد عدالت برای مردم بود، دور سازند و در مسیری قرار دهند که بر اثر شدت گرانی ها، قحطی ها و هرج و مرج، زمینه برای کودتای دیکتاتوری به نام رضاخان فراهم شود. [۹]
- ۱۲) «اخیراً سازمان سیا، اسناد خود را درباره نقش سیا در مطبوعات ایران، قبل از کودتای ۲۸ مرداد [نهضت ملی شدن نهضت صنعت نفت و اهداف براندازانه ضد دولت مصدق]، منتشر کرده است که این نشان می دهد برخی روزنامه ها با پول، هدایت و تغذیه سیا زمینه ساز کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بوده اند.» [۲، ح]
- ۱۳) «درباره اتحاد جماهیر شوروی نیز پروژه نفوذ به معنای رخنه و اثرگذاری، موفق به براندازی نرم در این بلوک شد.» [این طرح مؤفق آمریکا در شوروی بود؛ یعنی یک ابرقدرت را با یک طرح کاملاً هوشمندانه، با صرف مقداری پول، با خریدن برخی اشخاص و با به کار گرفتن رسانه های تبلیغی، توانستند طی یک طراحی سه چهار ساله و یک نتیجه گیری شش هفت ماهه، به کلی منهدم کنند و از بین ببرند!]» [۲، خ]

۱۴) میزان شدت تهدیدآمیز بودن نفوذ به اهداف آن بستگی دارد؛ گاهی نفوذ برای جاسوسی و جمع آوری اطلاعات طبقه بندی صورت می گیرد، گاهی نفوذ برای اختلاف انگیزی و تشدید دودستگی در درون دولت، جامعه و جریان سیاسی طراحی می شود، گاهی نفوذ برای اثرگذاری بر تصمیم گیری یا تصمیم سازی است؛ زمانی هم نفوذ، وارد کردن افرادی در مرکز یا جریان یا دستگاهی، به منظور استفاده از آنها در موقعیت مناسب است. همچنین گاهی اوقات نفوذ برای براندازی نظامی سیاسی در دستور کار قرار می گیرد. [۳]

۱۵) «خطرناک تر این است که بیایند در مراکز فرهنگی نفوذ کنند؛ ذهن مردم، ایمان مردم، باورهای مردم، خط سیر صحیح مردم را قبضه کنند و در اختیار بگیرند.» [۲، د]

۱۶) «می دانیم که قدرت های بزرگ چپاولگر در میان جامعه ها افرادی به صورت های مختلف از: ملی گراها و روشنفکران مصنوعی و روحانی نمایان که اگر مجال یابند از همه پُرخطرتر و آسیب رسان ترند، ذخیره دارند که گاهی سی - چهل سال با مشی اسلامی و مقدس مآبی یا «پان ایرانیسم» و وطن پرستی و حيله های دیگر، با صبر و بردباری در میان ملت ها زیست می کنند و در موقع مناسب، مأموریت خود را انجام می دهند.» [۱، الف]

۱۷) نفوذ جریانی ماهیت شبکه ای و جریان سازی دارد. جریان سازی معادل نفوذ، اقداماتی است که در سیستم تصمیم سازی و تصمیم گیری کشور بتواند اعمال نفوذ و نظر کند. همچنین به طور عملی و نظری نیز در ساختارها و کارکردهای سیاسی و اجتماعی اثرگذار باشد. نفوذ جریانی بر فعالیت هایی دلالت دارد که در گروه نخبگان کشور یا صفوف مخالفان، اختلاف و انشقاق ایجاد کند یا جناحی را در درون نخبگان تقویت، رشد و ارتقاء دهد و در مقابل، جناح دیگری را تضعیف و حذف کند.

۱۸) نفوذ عملی و نظری در فرهنگ و خصلت های سیاسی، در زمره نفوذ شبکه ای و جریانی قرار دارد.

۱۹) نفوذ جریانی با ایجاد احزاب سیاسی سرسپرده و گروه های ذی نفوذ در کشور هدف؛ ایجاد جریان مجازی برای فریب دادن و سرگرم کردن و ایجاد جریان های موازی برای اشباع کاذب تقاضاها و نیازمندی های سیاسی فکری و منتفی کردن فلسفه وجودی دیگر جریانات، و خنثی کردن توان و قدرت حریف با جریاناتی از درون خود حریف (مشغول کردن حریف به خود) از دیگر نموده های نفوذ جریانی است.

۲۰) در روش نفوذ جریانی یا شبکه ای، دشمن بیشتر می کوشد تا با تطمیع، دام های فساد اخلاقی، گفتمان سازی در فضای جامعه و کشور مورد نظر، شبکه سازی کند و از این رهگذر، آرمان ها، باورها و در نتیجه سبک زندگی را تغییر دهد.

### رابطه نفوذ و جنگ نرم:

۱. نفوذ در جنگ نرم از راه ها و اشکال نرم نفوذ، اغوا، دست کاری ذهنی، اقناع و حتی جذب می باشد. شیوه های زور، اجبار، تهدید و پاداش (ابزارهای سخت و نیمه سخت) برای عمل نفوذ استفاده می شود. [۳]
۲. نفوذ همانند جنگ نرم به توانایی هایی اطلاق می شود که بر باورها، عواطف، خواست ها، ترجیحات و رفتارها اثر می گذارد و از این رهگذر، افراد یا بازیگران را به کار دلخواه خود وامی دارد، بدون آنکه احساس کنند که وادار شده اند. [۷]
۳. نفوذ، نتیجه به کارگیری قدرت است. قدرت، اگر آثار نرم افزاری بر مخاطب و بازیگر هدف بگذارد، مصداق جنگ نرم با رویکرد نفوذ می باشد.
۴. دامنه نفوذ شامل حوزه های: فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، امنیتی و اطلاعاتی می باشد.
۵. بازیگران جنگ نرم، می کوشند با نفوذ در نگرش ها و باورهای اسلامی، انقلابی و حتی ملی جامعه هدف، رفتارها و ساختارها را تغییر دهند.

### ماهیت جنگ نرم غرب:

تلاش برای نفوذ	فروپاشی اجتماعی	اغوا و اقناع فکری مخاطبان جامعه هدف	ایجاد شکاف بین ملت و دولت
استحاله فرهنگی	دوگانه سازی حاکمیت	براندازی از درون	....

## هدف های تهاجم نرم و تهاجم فرهنگی غرب:

تضعیف روحیه	تضعیف وحدت ملی	ایجاد شکاف میان مردم و حاکمیت
نافرمانی مدنی	افزایش ناکارآمدی حاکمیت	تضعیف اراده مقاومت در مردم

### استراتژی جنگ نرم دشمنان نظام مقدس اسلامی (در سطح خرد و کلان):

- ۱) حمله به مبانی فرهنگی و اعتقادی پذیرفته شده جامعه
- ۲) حمله به هنجارهای مسلم و پذیرفته شده جامعه
- ۳) گسترش تهاجم به افکار عمومی جامعه
- ۴) گسترش تهاجم به حوزه سیاسی در قالب مطالبات سیاسی، متجلی می شود.
- ۵) وقوع بحران های امنیتی برای براندازی و تغییر نظام منتهی می گردد.

### ابزارهای جنگ نرم:

۱. ابزارهای شفاهی: تبلیغات شفاهی، سخنرانی ها، کنفرانس ها، مناظره ها، گفتگوها، همایش ها، ارتباطات چهره به چهره.
  ۲. ابزارهای نوشتاری: روزنامه ها، نشریه ها، خبرنامه ها، بولتن ها، کتاب ها، تارنمای خبری و غیر خبری، روزنامه مجازی و ...
  ۳. ابزارهای شنیداری: تلفن، ضبط صوت، موبایل، نوار شنیداری، رایتل، رادیو(راه اندازی رادیو آزادی به زبان فارسی در سال ۱۳۷۷ و رادیو فردا به زبان فارسی در سال ۱۳۸۱ به هزینه کنگره آمریکا راه اندازی گردید).
  ۴. ابزارهای شنیداری و دیداری: تلویزیون، شبکه های ماهواره ای، شبکه های کامپیوتری، شبکه های کودک، تلویزیون ماهواره ای (اگر سیاست مهار مضاعف دولت کلینتون نتواند ایران انقلابی را به زانو درآورد، شاید برنامه های رقص و آواز MTV و شبکه های تلویزیونی ماهواره ای آمریکا به این کار موفق شوند. رادیو آمریکا، ۷۳/۸/۲)
  ۵. ابزارهای دیجیتالی و تعاملی (رسانه های تعاملی): رایانه، اینترنت، فضای مجازی، شبکه های اجتماعی (وبلاگ ها، فیس بوک، توئیتر، یوتیوب، پادکست، تلگرام، واتساپ و ...)، تلفن همراه هوشمند، تلویزیون تعاملی، رسانه های دیجیتالی، ابزارهای سایبری، رسانه های اینترنتی، شبکه های تحت وب (بازیگر سیاسی که بتواند فضای سایبری را تحت مدیریت خود درآورد، برنده معادلات قدرت در نظام بین الملل خواهد بود. - فضای سایبر، کلید قدرت در قرن ۲۱ خواهد بود).
  ۶. ابزارهای صنایع هنری: کارتون، پویانمایی و انیمیشن، بازی های رایانه ای، موسیقی، کتاب، لوح فشرده (CD و DVD)، مجله، روزنامه، ژورنال، نرم افزارها، محصولات صوتی-تصویری، ویدئو، نوارکاست، حافظه، فیلم سینمایی.
- ✓ اوپاما رئیس جمهور آمریکا در دیدار از کمپانی انیمیشن سازی دریم ورکز، می گوید: ... هالیوود نقشی اساسی در اشاعه ارزش های فرهنگ آمریکایی و همچنین شکل دهی یک فرهنگ جهانی دارد، چه باور کنید و چه نکنید. تأسیس تشکیلاتی چون هالیوود از بزرگترین گام ها در این راستاست. [۳]
- ✓ «بازی های رایانه ای به شوالیه های مجازی قدرتمند و جذاب ناتوی فرهنگی و جنگ صلیبی غرب تبدیل شده اند که در حال تخریب و تغییر تدریجی ارزش ها و هنجارهای انقلاب اسلامی و جهان اسلام هستند.» [۲]
- ✓ «هنر موسیقی، تلفیقی از دانش، اندیشه و فطرت خداداد است؛ که مظهر فطرت خدادادی در درجه اول، حنجره انسان ها و در درجه دوم سازهاست که به دست انسان ها ساخته شده است. پس می بینید که پایه، پایه الهی است. [۲، ذ] در عین حال، موسیقی می تواند

گمراه کننده باشد، می تواند انسان را به شهوات دچار کند، می تواند انسان را غرق در ابتذال و فساد و پستی کند؛ می تواند هم این نباشد و می تواند عکس این باشد.» [۲، ر]

✓ هیلاری کلینتون درباره موسیقی به منزله یکی از شاخص های هنر، می گوید: گاهی موسیقی بهتر از یک سخنرانی قادر به انتقال ارزش های آمریکایی است. [۳]

✓ اوباما در دیدار از کمپانی انیمیشن سازی دریم ورکس، می گوید: صنعت سرگرمی از برخی جهات، بخشی از دیپلماسی آمریکاست. صنعت سرگرمی بخش بزرگی از صادرات کشور ما را در بر می گیرد. [۳]

✓ از میان فیلم های سینمایی فراوان هالیوود که ضد هویت ملی، فرهنگ، تاریخ و مردم ایران هستند، به اسامی چندین فیلم که در زمره فیلم های برتر ضد ایرانی قرار دارد اشاره می شود: استر و پادشاه ۱۹۶۰، فرستاده ۱۹۸۳، بدون دخترم هرگز ۱۹۹۱، ارباب کابوس ها ۱۹۹۷، مریم ۲۰۰۲، خانه ای از مه و شن ۲۰۰۳، الکساندر ۲۰۰۴، سیصد ۲۰۰۶، شبی با پادشاه ۲۰۰۶، پرسپولیس ۲۰۰۷، سنگسار ثریا ۲۰۰۸، ... [۱۰]

✓ بیشتر انیمیشن های اثرگذار با قابلیت دیده شدن بالا در سراسر دنیا و در ایران را کمپانی های آمریکایی تولید می کنند. از اصلی ترین این کمپانی ها، عبارتند از: فاکس فیلم اینترتیمنت، تایم وارنر، والت دیزنی و ... که تا ۸۵ درصد کل گردش مالی سینما را در آمریکا و کانادا دارند. همه محصولات این شرکت ها برای ترویج سبک زندگی آمریکایی و در عین حال نمایش تصویر سیاه از دیگر فرهنگ های جهانی می باشد. شخصیت های محبوب انیمیشن ها و کارتون های این شرکت ها، به عنوان نمایندگان و مبلغان فرهنگ و سبک زندگی و ارزش های جامعه غربی به سراسر جهان اعزام می شوند تا شهروندان جهان را از سنین کودکی مطابق الگوی واحد و مطلوب غربی آموزش دهند و تربیت کنند. هنجارهایی متناسب با زندگی غرب از جمله: تعامل افراد غیر هم جنس با هم، پوشش، رقص، موسیقی، عشق های بیرون از خانواده، رفتارهای جنسی آشکار و ... ترویج می شود.

۷. ابزارهای دیپلماتیک، عبارتند از: دیپلماسی عمومی، دیپلماسی رسانه ای، دیپلماسی علمی، دیپلماسی علمی، دیپلماسی سایبری، دیپلماسی حقوق بشری، دیپلماسی شهروندی، دیپلماسی فرهنگی، ...

✓ جوزف نای نظریه پرداز جنگ نرم، معتقد است که دیپلماسی عمومی سه بعد دارد. اولین و مهمترین آن ارتباطات روزانه است. بُعد دوم ارتباطات استراتژیک و بُعد سوم گسترش روابط دامنه دار و طولانی مدت با افراد کلیدی از طریق بورس های تحصیلی، معاملات، آموزش، سمینارها، کنفرانس ها، و دسترسی به کانال های رسانه ای می باشد. [۱۱]

✓ توانمند نمودن جهان اسلام از طریق برقراری تعاملات علمی و فناوری میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای جهان اسلام بسیار اثرگذار می باشد. اما، بازیگران جنگ نرم، این واقعیت ارتباطی را برای نفوذ در کشورهای رقیب یا حریف تبدیل نموده اند.

✓ در تعریف میلتن کامینکز، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از: مبادله ایده ها، اطلاعات، هنر، نحوه زندگی، نظام ارزشی، سنت ها و اعتقادات، به منظور دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملت ها و کشورها و از کانال هایی همچون تشکل های غیردولتی، میراث فرهنگی، جشنواره های بین المللی فرهنگی و هنری و ... پیش می رود. [۳]

✓ کنت تیمرمن از نظریه پردازان آمریکا می گوید: ما باید از طریق تماس با مردم به جای دولت ایران، مشعل دموکراسی و آزادی را روشن نگه داریم. همچنین دیپلماسی شهروندی، فقط به اثرگذاری بر تصمیم گیران اصلی محدود نیست، بلکه ابعاد و زوایایی بیشتری دارد. نمونه آن را می توان در جایزه پنج هزار دلاری مرکز دیپلماسی شهروندی آمریکا برای گسترش رقص در جهان و به منظور الهام بخشی به سیاست های خارجی آمریکا در جهان و نقش شهروندان این کشور در این امور ملاحظه کرد. [۳، ۱۲]

✓ غرب برای اینکه رفتار دیگر دولت ها را در جهت ارزش های غربی و اهداف سیاسی خود هدایت کند، ابزار دیپلماسی حقوق بشری را بیش از گذشته در دستور کار خود قرار داد. [۳]



- ✓ استفاده غربی ها از دیپلماسی حقوق بشری، برقراری ارتباط با کشور هدف، برای تحمیل دیدگاه های حقوق بشری خود بر آنها می باشند. [۳]
- ✓ در توافق اقدام جامع مشترک هسته ای بین ایران و گروه ۵+۱ (برجام)، دیپلماسی حقوق بشری بیش از پیش در برنامه های آمریکا و اروپا برای در تنگنا گذاشتن ایران جا باز کرده است. تا کنون غربی ها با اتهام نقص حقوق بشر در ایران، گزارشگران ضدایرانی فراوانی را در کمیسیون حقوق بشر و بعد در شورای حقوق بشر انتخاب کردند که هدفی جز در تنگنا گذاشتن ایران برای تغییر رفتار در حوزه های داخلی و خارجی نداشتند.
۸. ابزارهای فرهنگی و اقتصادی: برند (Brand)، تحریم ها و ابزارهای تجاری و مالی.
- ✓ نظام سلطه از ابزار برند، برای تحمیل ارزش ها و فرهنگ خود به جامعه هدف، بهره می گیرند.
- ✓ دشمنان از ابزار تحریم، برای تغییر اراده ملت ها و وادارسازی آنها به تسلیم یا حرکت های اعتراضی علیه دولت ها بهره می گیرند.
- ✓ نظام استکباری از ابزارهای تجاری و مالی در جنگ نرم برای پیشبرد اهداف تعیین شده بهره برداری می کنند.
۹. براساس آموزه های دینی، بین باورها و عقاید (بینش ها یا شناخت)، اخلاق (گرایش ها یا عواطف) و احکام (کشش ها یا رفتارها)، رابطه معناداری هست. به باور محققان اسلامی، عقاید و ایمان مذهبی کلیدی ترین و نافذترین نقش را در اخلاق و تمایلات انسان و کنترل رفتارهای آن دارد.
- ✓ تنها ایمان مذهبی قادر است انسان را به صورت یک مؤمن واقعی درآورد؛ هم خودخواهی و خودپرستی را تحت الشعاع ایمان و عقیده و مسلک قرار دهد و هم نوعی «تعبد و تسلیم» در فرد ایجاد کند؛ به طوری که انسان در کوچک ترین مسئله ای که مکتب عرضه می دارد، به خود تردید راه ندهد. گرایش های ایمانی مذهبی، موجب آن است که انسان تلاش هایی علی رغم گرایش های طبیعی فردی انجام دهد و احياناً هستی و حیثیت خود را در راه ایمان خویش فدا سازد. [۱۳]
- ✓ تقوا موجب می شود احساسات و تمایلات و شهوات، کنترل [گردد] و عقل عملی بتواند فعالیت طبیعی خود [را] در تشخیص خوب و بد و تصمیم گیری انجام دهد. [۱۴]
- ✓ در واقع، اخلاق فاضله، اگر بخواهد ثابت و پابرجا بماند، ضامنی لازم دارد که آن را حفاظت کند و آن چیز غیر از توحید نیست. واضح است که اگر اعتقاد به معاد در بین مردم نباشد، آن چه افراد بشر را از پیروی هوی و هوس باز دارد و جلوی لذات طبیعی را بگیرد، نیز وجود نخواهد داشت. [۱۵]
- ✓ توحید اصلی است که درخت سعادت آدمی را رشد داده و شاخ و برگ اخلاق کریمه را در آن شاخه ها بارور ساخته و جامعه بشریت را از میوه های آن بهره مند می سازد. [۱۶]

## بازیگران جنگ نرم

### ➤ بازیگران خارجی:

- (۱) «زرسالاران اقتدار طلب که هدفشان سیطره بر منابع حیاتی و مالی همه دنیاست.» [۲، ز]
- (۲) دولت های غربی، به ویژه آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان و نهادهای رسمی و دولتی آن ها.

تاریخ	رئیس جمهور وقت آمریکا	موضوع	بودجه مصوب	مصوب کنگره آمریکا	تأییدیه کاخ سفید
بهمن ۱۳۷۴	کلینتون	براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران	۲۰ میلیون دلار	مصوب شد	تأیید شد
بهمن	بوش پدر	بهبود وضعیت آزادی و	۷۵ میلیون دلار	مصوب شد	تأیید شد

۱۳۸۴	حقوق بشر در ایران			
۱۳۸۵	بی ثباتی در ایران	۴۰۰ میلیون دلار	مصوب شد	تأیید شد
۱۳۸۶	تغییر رژیم در ایران	۴۰۰ میلیون دلار	مصوب شد	تأیید شد
۱۳۸۸	پروژه نفوذ در ایران، براندازی، آموزش مجازی ایرانیان مخالف نظام	۵۵ میلیون دلار	مصوب شد	تأیید شد
۱۳۹۴	تغییرات در داخل ایران و برنامه های دموکراسی در ایران، روسیه و چندین کشور دیگر	۲ میلیارد و ۳۰۸ میلیون دلار	مصوب شد	تأیید شد

۳) سرویس های اطلاعاتی: سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) و سازمان اطلاعات خارجی انگلیس (MI6)

۴) سفارتخانه های کشورهای غربی: در جریان فتنه ۱۳۸۸، دست کم هفده سفارتخانه از جمله: انگلیس، کانادا، استرالیا، فرانسه، آلمان، هلند، بلژیک، سوئیس، دانمارک، فنلاند، ... نقش داشتند.

۵) صهیونیست ها: نفوذ و تسلط صهیونیست ها بر وسایل ارتباطی جهان بسیار قابل توجه می باشد. مانند: نیویورک تایمز، واشنگتن پست، نیوزویک (آمریکا)، فیگارو، آبرورور (فرانسه)، بیلدز ایتونگ، دی ولت (آلمان). خبرگزاری های بزرگ مانند: رویترز، آسوشیتدپرس، یونایتدس و خبرگزاری فرانسه همه یهودی بوده و با محافل صهیونیستی رابطه ای نزدیک دارند. نفوذ صهیونیست ها در شبکه های رادیو، تلویزیونی و سینما، مانند: فاکس نیوز، شبکه فارسی ۱، شبکه تلویزیونی استار، من و تو، و ... جنبه دیگری از اهرم نفوذ آنها برای تهاجم فرهنگی و سلطه جهانی می باشند.

۶) بنیادها و سازمان های غیردولتی: این بنیادها و سازمان های غیر دولتی با هویت های مختلف علمی، آموزشی، هنری، بشردوستانه، مدافع حقوق بشر و ... زمینه ها و بسترهای جنگ نرم در جامعه مورد نظر را دنبال می کنند.

۷) نهادهای بین المللی: کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی.

۸) نظریه پردازان، نخبگان، هنرپیشه ها، نویسندگان و خبرنگاران غربی

۹) صاحبان رسانه های نظام سلطه: در کنار غول های رسانه ای (مانند: والت دیزنی، نیوز کورپوریشن و ...)، صاحبان شبکه های اجتماعی (مانند: فیس بوک، توئیتر، اینستاگرام، یوتیوب و ...) نیز هستند که بازیگران بسیار اثرگذاری در جنگ نرم به شمار می آیند. [۳]

۱۰) گروه ها و شخصیت های ضد انقلاب و معارض خارج نشین و نهادهای ایرانی - آمریکایی

۱۱) «حالا یک ناتوی فرهنگی هم به وجود آورده اند. این بسیار چیز خطرناکی است... مجموعه به هم پیوسته رسانه های گوناگون که حالا اینترنت هم داخلش شده است و ماهواره ها و تلویزیون ها و رادیوها، در جهت مشخصی حرکت می کنند تا سررشته تحولات جوامع را بر عهده گیرند.» [۲، ژ]

➤ **بازیگران داخلی:** روشنفکران و نخبگان سکولار غرب زده (سکولاریسم یا جدایی دین از سیاست نوعی **نگرش سیاسی** و **مدنی** است که بر طبق این نگرش، **دین** و **سیاست** بایستی جدای از یکدیگر بوده و در امور یکدیگر **دخالت** نورزند). - جریانات سیاسی غرب گرا - دانشگاه غرب زده و دانشجویان فریب خورده - جریانات تشیع انگلیسی و اسلام آمریکایی - برخی از اصحاب رسانه ها و مطبوعات - جریانات خرده فرهنگ معارض (مانند: متال، راک، هوی متال، رپ، داشتن ایدئولوژی نیهیلیستی (پوچ گرایی، انکار همه چیز یا Nihilism)، انحرافات جنسی و اخلاقی، دین ستیزی، شیطان پرستی، عرفان های انحرافی و کاذب، دراویش و ...) - فرقه های ساختگی (فرقه سازی از سیاست های استعمار انگلیس در سرزمین های تحت استعمار سرزمین های اسلامی است، فرقه بهائیت، مفر

بیت العدل که عالی ترین مقام تصمیم گیری در آئین بهایی در حیفا از سرزمین های اشغالی رژیم صهیونیستی می باشد و در اغتشاشات و فتنه سال ۱۳۸۸ نقش داشتند). - سازمان های مردم نهاد - ... [۲۲]

۱) «هر کس به مقدار توانش و حیطة نفوذش، لازم است در خدمت اسلام و میهن باشد؛ و با جدیت از نفوذ وابستگان به دو قطب استعمارگر و غرب و یا شرق زدگان و منحرفان از مکتب بزرگ اسلام جلوگیری نمایند، و بدانند که مخالفین اسلام و کشورهای اسلامی که همان ابرقدرتان و چپاولگر بین المللی هستند، با تدریج و ظرافت در کشور ما و کشورهای اسلامی دیگر رخنه، و با دست افراد خود ملت ها، کشورها را به دام استثمار می کشانند. باید با هوشیاری مراقب باشید و با احساس اولین قدم نفوذی به مقابله برخیزید و به آنان مهلت ندهید. خدایتان یاور و نگهدار باشد.» [۱، پ]

۲) «غرب مسلط به فناوری و علم، روزی که خواست در ایران پایگاه تسلط خودش را مستحکم کند، از راه روشنفکری وارد شد.» [۲، الفض] - «روشنفکری در ایران، بیمار، ناسالم و معیوب متولد شد. جلال آل احمد سه ویژگی را برای روشنفکری در این زمان بر می شمرد: اول) مخالف با مذهب و دین؛ دوم) علاقمندی به سنن غربی و اروپا رفتگی؛ سوم) درس خواندگی.» [۲، الفظ]

۳) «بعد از جنگ [تحمیلی] تلاش هایی جدی شروع شده برای اینکه روشنفکری ایران را به همان حالت بیماری قبل از انقلاب برگردانند - برگشت به عقب، ارتجاع - یعنی باز قهر کردن با مذهب، قهر کردن با بنیان های بومی، رو کردن به غرب، دلبستگی و وابستگی بی قید و شرط به غرب، پذیرفتن هر چه از غرب - اروپا و از آمریکا - می آید، بزرگ شمردن هر آنچه که متعلق به بیگانه است و حقیر شمردن هر آنچه که مربوط به خودی است؛ که در باطن خودش، تحقیر ملت ایران و تحقیر بنیان هایش را همراه دارد. من این را مشاهده می کنم.» [۲، الفظ]

۴) «ما از شرّ رضاخان و محمدرضا خلاص شدیم؛ لکن از شرّ تربیت یافتگان غرب و شرق به این زودی ها نجات نخواهیم یافت. اینان برپا دارندگان سلطه ابرقدرت ها هستند و سر سپردگانی می باشند که با هیچ منطقی خلع سلاح نمی شوند و هم اکنون با تمام ورشکستگی دست از توطئه علیه جمهوری اسلامی و شکستن این سد عظیم الهی بر نمی دارند.» [۱، ت]

۵) «نهضت به اصطلاح آزادی، طرفدار جدی وابستگی کشور ایران به آمریکاست، و در این باره از هیچ کوششی فرو گذار نکرده است ... نهضت به اصطلاح آزادی، صلاحیت برای هیچ امری از امور دولتی یا قانون گذاری یا قضایی را ندارند.» [۱، ث]

۶) «بزرگ ترین فاجعه برای ملت ما وابستگی فکری است.» [۱، ج]

۷) «من شک ندارم که در آینده نه چندان دور، در بین اسناد محرمانه دستگاه های جاسوسی - که بالاخره این اسناد یک وقت هایی هر جا باشد، منتشر می شود - خواهید یافت و خواهید خواند که عوامل دشمن، روی دانشگاه های ما چگونه کار می کردند، روی فلان دانشگاه چگونه کار می کردند، روی فلان شخص دانشگاهی چگونه کار می کردند! الان این طوری است، دارند کار و فعالیت می کنند. دشمن خیلی فعال است. چون اهمیت دانشگاه را می داند، هم برای حال، هم برای آینده، دانشگاه این گونه است. دانشگاه هم برای حال مؤثر است، هم برای آینده.» [۲، س]

۸) «متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملت های اسلامی، مرز بین اسلام آمریکایی و اسلام ناب محمدی (ص) و اسلام پابرهنگان و محرومان، و اسلام مقدس نماهای متحجر و سرمایه داران خدانشناس و مرفهین بی درد، کاملاً مشخص نشده است، و روشن ساختن این حقیقت که ممکن نیست در یک مکتب و در یک آئین، دو فکر متضاد و رودرو وجود داشته باشد، از واجبات سیاسی بسیار مهم است.» [۱، چ]

۹) «سومین موضوع مهم و دارای اولویت، نگاه هوشمندانه ای است که فعالان دلسوز جهان اسلام باید به تفاوت میان اسلام ناب محمدی (ص) و اسلام آمریکایی داشته باشند و از خلط و اشتباه میان این دو، خود و دیگران را بر حذر بدارند.» [۲، ش]

۱۰ «اسلام آمریکایی، فقط آن نیست که آمریکا پسند باشد. اسلام سلطنتی هم همین جور است، اسلام التقاطی هم همین جور است، اسلام سرمایه داری هم همین جور است، اسلام سوسیالیستی هم همین جور است، اسلام هایی که با شکل ها و رنگ های مختلفی عرضه بشود و آن عناصر اصلی در او وجود نداشته باشد، همه اش مقابل اسلام ناب است، در واقع اسلام آمریکایی است.» [۲،ص]

۱۱ **مفهوم اسلام ناب محمدی(ص)، عبارتند از:** «اسلام کتاب و سنت، اسلام اهل بیت(ع)، اسلام جهاد و شهادت، اسلام انقلابی، اسلام مرعوب نشدن در مقابل هیچ قدرتی، اسلام ناتوانی همه قدرت ها در شکست دادن او، اسلام تعبد، اسلام صفا و معنویت، اسلام توکل به خدا، اسلام توحید، اسلام حُسن ظن به وعده الهی، اسلام تعقل، اسلام اصول گرای معتدل و عقلانی، اسلام دنیا و آخرت، اسلام به ارمغان آوردن همه نعمت ها برای ملت ها، اسلام زندگی و زندگی ساز، اعتقاد به تکفل دین در قبال امور زندگی، اسلام علم و معرفت، اسلام فقهاتی، اسلام دیانت، اسلام اخلاق و فضیلت، اسلام پرهیزکاری، اسلام سیاست، اسلام مردم سالاری، هراسان کننده مستکبرین عالم، اسلام جز با تشکیل حکومت اسلامی محقق نمی شود، اسلام استقلال و عزت و هویت، اسلام درک و عمل سیاسی، اسلام فرد و جامعه، اسلام قیام و عمل، اسلام فعال در عرصه بین الملل.» [۲،ص]

۱۲ **مفهوم اسلام آمریکایی، عبارتند از:** «اسلام خرافه و بدعت، اسلام ابوجهل و ابولهب، اسلام چشم پوشیدن از اصول خود، اسلام قعود و اسارت و ذلت، اسلام امتداد نداشتن در عمل و در توده های مردم، پوشاندن لباس اسلام بر نوکری اجانب و دشمنی با امت اسلامی، متزلزل و مرعوب شدن در مقابل قدرت کفر، اسلام التقاط، اسلام سرمایه داری، اسلام سوسیالیستی، اسلام مطابق با اصول آمریکایی و غربی، اعتماد به دشمنان خدا به جای اعتماد به وعده الهی، اسلام جهالت، اسلام مطلوب واشنگتن و لندن و پاریس، اسلام لائیک و غرب گرا، اسلام تکفیری و خشن، اسلام دنیاپرستی یا رهبانیت، اسلام برده دلار آمریکایی، اسلام مصرف زده و اسیر سرمایه داری غرب، وسیله ای برای منحصر کردن دین به مسجد، اسلام تحجر و غفلت، اسلام مراسم و مناسک میان تهی، اسلام بی بندوباری، آلوده شدن به انواع فساد اخلاقی، کنار آمدن با فساد حاکمان ظالم، اسلام بی اعتنایی، به دام افتادن در لیبرال دموکراسی غربی، اسلام منهای سیاست، اسلام بی حالی و افسردگی، جدا کردن احکام اجتماعی و سیاسی اسلام، اسلام انسان های بی درد و به فکر رفاه حیوانی خود، اسلام تشریفاتی و بی خاصیت، بهانه ای برای انزوای اهل دین و نپرداختن به امور مسلمین، نگاه فردی به اسلام.» [۲،ص]

۱۳ «من حالا می بینم متأسفانه همان دشمنی که به وسیله تبلیغات خود، همتش این بود که افکار عمومی یک کشور را به سمتی متوجه کند، امروز به جای رادیوها، آمده و در داخل کشور ما پایگاه زده است. بعضی از این مطبوعات که امروز هستند، پایگاه های دشمن اند، همان کاری [را] می کنند که رادیو و تلویزیون های BBC و آمریکا و رژیم صهیونیستی می خواهند بکنند.» [۲،ط]

۱۴ **آلبرایت وزیر امور خارجه آمریکا در قبال توقیف مطبوعات زنجیره ای وابسته، گفت:** روزنامه های اصلاح طلب، آمریکا را دلگرم کرده بود. آنچه اکنون در ایران اتفاق می افتد(توقیف روزنامه ها)، آمریکا را بسیار نگران کرده است. [۳]

۱۵ «من دارم می بینم چه دارد اتفاق می افتد. لشکر فرهنگی دشمن و لشکر سیاسی دشمن با همه ابزارهایی که برایشان ممکن بوده، حمله کرده اند به ما برای سست کردن اعتقادات دینی ما، سست کردن اعتقادات سیاسی ما، تقویت نارضایتی ها در داخل کشور، جذب جوان ها به خصوص جوان های فعال و اثرگذار در سطوح مختلف برای مقاصد خودشان؛ دارند کار می کنند.» [۲،ظ]

۱۶ «تهاجم فرهنگی دشمن با گذشته تفاوت بسیار دارد و شکل جدیدی پیدا کرده است و برای مقابله با آن باید [با] شناخت و آگاهی کامل عمل کنیم.» [۲،ع]

**برخی از الگوهای جنگ فرهنگی:**

## ۱) جنگ اعتقادی: در فرآیند جنگ اعتقادی نتایج راهبردی ذیل، حاصل می گردد.

- ✓ تضعیف باورها و نظام اعتقادی و فرهنگ اسلامی
- ✓ استحاله و تهی شده باورها و نظام اعتقادی
- ✓ از خود بیگانگی هویت، باورها و فرهنگ عمومی
- ✓ تسلیم و شکست در میدان نبرد نرم
- ✓ راهکارهای اصولی دشمنان اسلام ناب محمدی(ص)، عبارتند از:
  - ❖ ابداع و طرح شبهات دینی و مذهبی
  - ❖ افزایش قرائت های متفاوت و انحرافی از دین
  - ❖ افزایش دین های کاذب در بین جوانان
  - ❖ افزایش سرمایه گذاری دشمنان در تصویرسازی افراطی و خشن از دین اسلام
  - ❖ تکثیر بازیگران در مبارزه با اسلام ناب محمدی(ص)
  - ❖ بهره مندی از فناوری های مجازی، شبکه های ماهواره ای و اجتماعی، فیلم و ... در اثرپذیری آنی بر مخاطب

## ۲) الگوی اندلسی جنگ نرم، عبارت است از:

- ❖ «سیاست امروز، سیاست اندلسی کردن ایران است! ... اروپایی ها وقتی خواستند اندلس را از مسلمانان پس بگیرند، اقدامی بلند مدت کردند ... آنها به فاسد کردن جوانان پرداختند و در این راستا انگیزه های مختلف مسیحی، مذهبی یا سیاسی داشتند ... امروز هم آنها همین کار را می کنند.» [۲، غ]
- ❖ «... نقشه مسیحیان برای تصرف اندلس و بیرون کشیدن آن از دست مسلمانان به صورت دوستی و خدمت، تهیه وسایل عیاشی، باغ ها و بوستان ها، وقف ساختن شراب و نوشاندن آن به مسلمانان بود. دختران زیبا و طنّاز در خیابان ها به دلربایی و عاشق سازی پرداختند، سرگرمی های شهوانی از هر حیث فراهم شد و روح ایمان و جوانمردی مُرد. پس از این بود که توانستند مسلمانان را بی درنگ از دم تیغ بگذرانند.» [۱۷]
- ❖ اباحی گری و اباحی اندیشی، ترویج فرهنگ برهنگی، لجام گسیختگی فرهنگی، از بین بردن ارزشی ها و آزادی بدون ضابطه و فروپاشی حریم های دینی و مذهبی، استحاله و تغییر سیرت و صورت نظام فرهنگی از ویژگی های اندلسی کردن جامعه می باشد که از زمان مشروطیت و دوره پهلوی تقویت شد.
- ❖ «بعضی از دستگاه های جاسوسی دولت های استکباری اظهار نظر کرده اند که برای ایران و مقابله با انقلاب اسلامی یکی دو راه بیش تر نموده است. یکی اینکه ما فحشا و فساد را در جامعه آنان نفوذ دهیم و جوانانشان را سرگرم کنیم و زنان و مردانشان را از هدف های متعالی و بلند غافل کنیم، آنها را سرگرم منجلاب فساد و فحشا و شهوت نماییم.» [۲، ف]
- ❖ فناوری های مدرن ارتباطی، نقش محوری در توان و قدرت بازیگران جنگ نرم برای بازتولید و احیای فروپاشی اندلسی در جوامع مسلمانان و جمهوری اسلامی ایران دارد. این فناوری ها سرعت اشاعه و ترویج ضدفرهنگی را آنی و فوق تصور کرده و در عین حال، هجمه فرهنگ های ابتذال را به طیف وسیعی از مخاطبان در هر سنی و جنسی و در هر قشری گسترش داده است. علوم روان شناسی، بازیگران اندلسی سازی جهان را قادر ساخته تا از مدرن ترین شیوه های نفوذ و تأثیر بر فرهنگ های بومی و تهی سازی آنها از درون استفاده کنند. مهمترین عامل در حال حاضر در یکسان سازی فرهنگ برهنگی و مدل رفتاری ضددینی مثل حجاب، شبکه های ماهواره ای و شبکه های اجتماعی مجازی است. [۳]

**۳) الگوی از خودبیگانگی فرهنگی:** «خودباوری و اعتماد به نفس ملی یکی از دو رکن اساسی پیشرفت هر کشور است.» [۲،ق]

**۴) الگوی حقوق بشری در غرب، عبارت است از:**

❖ برای غرب، لازم بود اول در تفسیری که از انسان می کند، تجدیدنظری به عمل آورد. آنگاه اعلامیه ای بالا بلند در زمینه حقوق مقدس و فطری بشر صادر کند. آنچه شایسته طرز تفکر غربی، در تفسیر انسان است، اعلامیه حقوق بشر نیست، بلکه همان طرز رفتاری است که غرب عملاً درباره انسان روا می دارد؛ یعنی کشتن عواطف انسانی، به بازی گرفتن ممیزات بشری، تقدم سرمایه بر انسان، ... استثمار انسان ها، قدرت بی نهایت سرمایه داری. [۱۸]

❖ «موضوع حقوق بشر مثل ابزاری در دست قدرت های جهانی است، تا اگر دیدند دولتی با نظرات آنها مخالفت می کند، آن دولت را و اگر لازم شد آن ملت را، متهم کنند.» [۲،ک]

**۵) جنگ علمی غرب، عبارت است از:**

❖ ایجاد وابستگی علمی، عقب ماندگی علمی، از بین بردن خودباوری علمی

❖ دشمن سه هدف عقب ماندگی علمی، عقب ماندگی اقتصادی و شکستن یکپارچگی ملی را به جد تعقیب می کند. [۲،گ]

**۶) نفوذ فرهنگی؛ نبرد خاموش، عبارت است از:**

❖ «مسئولان فرهنگی، باید مراقب رخنه فرهنگی باشند. رخنه های فرهنگی بسیار خطرناک است. باید حساس باشند. باید هوشیار باشند.» [۲،ل]

❖ «متأسفانه امروز می بینم همان دشمنی که به وسیله تبلیغات خود، همتش این بود که افکار عمومی یک کشور را به سمتی متوجه کند، به جای رادیو ها آمده در داخل کشور ما پایگاه زده است! بعضی از این مطبوعاتی که امروز هستند، پایگاه های دشمنانند؛ همان کاری را می کنند که رادیو و تلویزیون های بی بی سی و آمریکا و رژیم صهیونیستی می خواهند بکنند.» [۲،م]

❖ «هنگامی که یک نهضت اجتماعی اوج می گیرد و جاذبه پیدا می کند و مکتب های دیگر را تحت الشعاع قرار می دهد، پیروان مکتب های دیگر برای رخنه کردن در آن مکتب و پوسانیدن آن از درون، اندیشه های بیگانه را که با روح آن مکتب مغایرت دارد، وارد آن مکتب می کنند و آن مکتب را به این ترتیب از اثر و خاصیت می اندازند و یا کم اثر می کنند. نفوذ و نشر اندیشه های بیگانه، خطری است که کیان اسلام را تهدید می کند.» [۱۹]

**۷) الگوی فروپاشی اجتماعی، عبارت است از:**

❖ «آن کسانی که می خواهند در یک کشور یا جامعه ای نفوذ پیدا کنند، فرهنگ آن جامعه را در مشت خود بگیرند و فرهنگ خود را به آنها تحمیل نمایند، یکی از کارهایشان، معمولاً متزلزل کردن بنیان خانواده است؛ کماینکه در خیلی از کشورها این کار را متأسفانه انجام داده اند. مردها را بی مسئولیت و زن ها را بداخلاق کرده اند.» [۲،ن]

❖ هجمه ها به باورها، ارزش ها و نظام هنجاری حاکم بر زنان جوامع اسلامی، به شدت افزایش یافته است. این برنامه ها با القای زن محوری، تضعیف نقش مرد، تضعیف نقش مادری و همسری، کم ارزش جلوه دادن خانه داری و ارزشمند جلوه دادن مشاغل بیرون از منزل، مصرف زدگی، تردیدسازی در آموزه های دینی درباره زن و روابط اجتماعی آن و فلسفه ازدواج و اختلال در هنجارهای حاکم بر روابط زنان با نامحرمان و ... پیگیری می شوند. [۳]

**۸) جنگ بر سر سبک زندگی:**

➤ «یکی این است که ما در بیان زندگی نامه ی شهیدان سعی کنیم خصوصیات زندگی اینها و سبک زندگی اینها و چگونگی مشی زندگی اینها را تبیین کنیم. ... هیجان جنگ و رفتن در میدان جنگ یک مسئله است که چیز باارزشی است که کسانی جانشان

را کف دست بگیرند و بروند بجنگند؛ لکن روحيات، خصوصيات زندگي، سابقه و پشتوانه‌ي فكري و اعتقادي شخص هم يك مسئله‌ي ديگري است كه اين خيلي مهم است. اين شهيدى كه شما از ياد او و فداكارى او و شهادت او در ميدان جنگ به هيچان مى‌آييد، در داخل زندگي خانوادگي چه جورى مشى مى‌كرده، در محيط عادى زندگي چه جورى عمل مى‌كرده؛ اينها خيلي مهم است؛ يا نسبت به مسائلى كه امروز براى ما مهم است، اينها چه جورى عمل مى‌كرده‌اند. ... ما امروز در مورد اسراف، در مورد تعرض و تجاوز به اموال بيت‌المال، درباره‌ي اشرافىگري حساسيت نشان ميدهيم، يعنى [اينها] چيزهايى است كه امروز براى مجموعه‌ي دلسوز جامعه‌ي ما مسائل مهمي است، مسائل مطرحى است؛ اين شهيدى عزيز ما آن روزى كه زنده بودند و زندگي مى‌كردند در داخل شهرهايشان، در داخل خانواده‌هايشان، نسبت به اين قضايا چه جورى بودند.» [۲، الفش]

➤ «تلويزيون يك برنامه‌اي را ديروز پيروزها پخش مى‌كرد از بعضى از شهدا كه بنده تصادفاً چند دقيقه‌اي ديدم؛ آنچه درباره‌ي آن شهيدان گفته مى‌شد، يا در وصيت‌نامه‌ي آن شهيدان درج شده بود، انسان را واقعاً از عظمت روحى اين شهيد متحير مى‌كند. ميگويد من درس خواندم و مى‌ترسم كه اين درس خواندن من - كه خرجى برايش شده و هزينه‌اي شده - تحميل بر بيت‌المال بوده و اين به گردن من باشد؛ وقتى كه من شهيد شدم موتور گازى من را بفروشيد، پولهاى بانك من را بگيريد، برويد بدهيد به بيت‌المال به جاي آن! اينها درس است؛ اينها درس است.» [۲، الفش]

➤ «وضع عادى زندگي كردن شهدا چه جورى بوده؟ فرض بفرماييد ازدواجشان؛ در اين خاطرات شهدا كه زندگينامه‌ي شهدا [است] - حالا تا آن مقدارى كه بنده ديده‌ام و خوانده‌ام و نگاه كرده‌ام - در چند مورد بحث ازدواج اينها مطرح مى‌شود؛ چگونگي ازدواج اينها، رفتار اينها در گزينش همسر - دنبال چه جور همسرى بودند - بعد مراسم ازدواج، بعد نوع رفتار با خانواده‌ها، اينها همه قلّه‌هاي اخلاق اسلامى است. امروز ما گرفتاريم؛ ما امروز به اين چيزها احتياج داريم. امروز جوان ما براى ازدواج، براى گزينش همسر چه جورى فكر مى‌كند و چه جورى بايد فكر كند؟ آن الگو را بايد در مقابل او نگه داشت؛ اينها الگو هستند، شهداى ما الگو هستند. گاهى بعضى‌ها پيش ما شكايت مى‌كنند كه ما الگو به جوانهايمان نشان نمى‌دهيم؛ خوب، اين هزاران الگو؛ ۳۰۰۰ الگو در اين استان، ۱۸۰۰ الگو در اين استان، و هزاران الگو در استانهاى گوناگون، اينها را برجسته كنيد؛ سيماي منور اينها را درست در مقابل چشم جوانها نگه داريد. بنابر اين، اين يك نکته است كه ما زندگي شهيدان را، سبك زندگي شهيدان را، براى جوانهايمان، براى نسلهاى رو به آينده‌مان تصوير كنيم، ترسيم كنيم، به آنها نشان بدهيم كه ببينند چه بود و چه شد. چون جنگ تحميلي كه در واقع دفاع مقدس بود، اين يك چيز كوچكى نبود؛ ما هنوز هم بعد از گذشت سالها، ابعاد مهم اين جنگ را درست نتوانستيم براى مخاطبين خودمان تشریح كنيم؛ يك جنگ بين‌المللى بود، يك جنگ بين‌الملل بود عليه اسلام، عليه حاكميت اسلام، عليه امام بزرگوار؛ يك جنگ اين جورى بود. حالا قلّه‌ي آن و به اصطلاح سر نيزه را آن بدبخت بي‌عقل بعثى صدام قرار داده بودند وآلا پشت سر او، عقبه‌ي او ديگران بودند؛ كسانى كه به او كمك مى‌كردند، كسانى كه به او راه نشان ميدادند، كسانى كه وسايل كار او را برايش فراهم ميكردند؛ اگر يك وقتى هم احتمالاً سست ميشد، تقويتش ميكردند كه نگذارند [ضعيف شود]؛ ما با يك چنين جنگى مواجه بوديم. اينهاى كه توانستند كشور را از يك چنين بليّه‌اي نجات بدهند، چه كسانى بودند؟ اين براى جوان امروز ما مهم است. اينها چه كسانى بودند كه توانستند كشور را نجات بدهند و در وسط ميدان بروند؟ اينها مهم است. بنابر اين اين يك نکته است كه بايستي رفتارشناسي اين جوانها براى مخاطبين امروز روشن باشد.» [۲، الفش]

➤ «گفتيم قانون در پي حلّ مشكلات واقعى باشد؛ من ملاحظه كردم بعضى از قوانين مربوط به خانواده كه در مجلس مطرح است و بحث ميشود يا تصويب مى‌شود، انسان احساس مى‌كند كه تحت تأثير و اثرپذيرى از رسوم غربى است؛ از اين بايد اجتناب بشود. غربى‌ها نسبت به خانواده هيچ‌گونه اهمتمى ندارند؛ نه اينكه نخواهند، [بلكه] شرايط و سبك زندگي غربى معارض با خانواده به معنای واقعى كلمه است؛ اين را خودشان هم دارند مى‌گويند و سالها است گرفتارش هستند؛ حالا مى‌خواهند علاج كنند و نمى‌توانند علاج كنند؛

یعنی بنیاد خانواده، نهاد خانواده در غرب بشدت تضعیف شده است. حالا ما بیاییم چیزهایی را که اینها مثلاً راجع به زن و جوان و فرزند و پدر و مادر و مانند اینها در عرف خودشان دارند، در مسائل مربوط به خانواده راه بدهیم! نه، این مطرح نیست. ما برای خانواده بایستی قانونی را وضع کنیم که به معنای واقعی کلمه، حل کننده‌ی مشکلات خانواده‌ها باشد - [اگر] مشکلاتی وجود دارد، حل کننده‌ی این مشکلات باشد - تأثر از آن منطقه نباشد. [۲، الفص]

➤ «یک مسئله‌ی مهم دیگری که فقط مسئله‌ی شما نیست، و مسئله‌ی کشور است، مسئله‌ی اشرافیگری است؛ بلای اشرافیگری، بلای بزرگی است. برای بنده تصویر یک ساختمانی را که با پول بیت‌المال در یک نقطه‌ای ساخته شده است آوردند، من حیرت کردم واقعاً که چطور جرئت شده است، چطور دست و دل کسی به او اجازه داده است که پول بیت‌المال را صرف یک چنین چیزی بکند. مسئله‌ی اشرافیگری اگر چنانچه رایج شد، جزو سبک زندگی ما شد، آثار و تبعات آن و ریزشهایی که به وجود می‌آید، دیگر انتهائی ندارد، خیلی مشکل است، خیلی کار را مشکل خواهد کرد؛ این را بایست [در نظر] داشته باشید.» [۲، الفص]

**۹) جنگ افیونی برای سلطه بر جامعه هدف:** «یک نکته‌ی دیگر در وصیتنامه‌ی امام بزرگوار هشدار به جوانهاست در مقابل توطئه‌های هائی که هدف و آماج آن فقط جوانها هستند. جوان یک کشور اگر بخواهد مثل موتور پیش‌برنده‌ی آن ملت را پیش ببرد، احتیاج دارد به اینکه سر حال، بانشاط، تندرست، قوی و دلبسته‌ی به کار و پیشرفت باشد. برای اینکه این روحیه را در جوان ایرانی از بین ببرند، تلاش می‌کنند با توطئه‌های گوناگون؛ با ترویج فساد، با ترویج فحشاء، با ترویج مواد مخدر، با باندهای هدایت‌شده، جوان ایرانی را منصرف کنند. جوان ایرانی باید بهوش باشد. امروز اگر مسئولین نظام جمهوری اسلامی با مواد مخدر بسختی مبارزه می‌کنند، این یک جهاد بزرگ، یک حرکت بسیار عمیق در راه پیشرفت ملت ایران است. اینها نمی‌خواهند جوان ایرانی در کارگاه، در آزمایشگاه، در دانشگاه، در محیط علمی، در محیط کار و تلاش صنعتی و کشاورزی بانشاط باشد. آن جوانی که سرگرم مسائل شهوانی جنسی باشد یا اسیر مواد مخدر باشد، نه حال کار کردن دارد، نه حوصله‌ی فکر کردن دارد، نه نیروی کار کردن دارد، نه ابتکار دارد، نه عزم و اراده‌ی راسخ و لازم را دارد. امروز مبارزه‌ی با توطئه‌های سازمان‌یافته برای کشاندن جوان ایرانی به شهوات، به مواد مخدر، به سرگرمیهای گوناگون جنسی، یک توطئه‌ی بسیار خطرناکی است. مبارزه‌ی با آن در درجه‌ی اول بر عهده‌ی خود آحاد ملت، بخصوص جوانهاست. جوانها باید هوشیار باشند. دشمن دانسته است که تقوا و پرهیزگاری جوان ایرانی و دینداری جوان ایرانی به پیشرفت او در میدانهای مختلف کمک میکند؛ میخواهد این را تضعیف کند. امام هشدار میدهند؛ هم به جوانها، هم به دانشگاهها، هم به حوزه‌های علمیه، هم به قاطبه‌ی جوانان کشور که بیدار باشند، هشیار باشند. اغفال جوان و سست کردن جوانها، به معنای عقب نگه‌داشتن ملت است. همه‌ی ملت باید احساس مسئولیت کنند و مسئولین هم بایستی با جد و جهد در این راه تلاش کنند که جهاد بزرگی است.» [۲، الفص]

### ۱۰) الگوی ایجاد اختلاف، تفرقه و ناامیدی، عبارت است از:

- ❖ «سهام مهلک برای ملت‌ها و تمدن‌ها و انقلاب‌ها، اختلاف است. اگر بهترین ملت‌ها دچار اختلاف و دودستگی شوند، همه نیروی حیاتی خودشان، نه تنها از بین می‌رود، بلکه در جهت ویرانی کشور به کار می‌افتد.» [۲، و]
- ❖ «دشمنان، اعتماد مردم را هدف گرفته‌اند، دشمنان ملت ایران می‌خواهند اعتماد را بشکنند. این اعتماد، بزرگ‌ترین سرمایه جمهوری اسلامی است. می‌خواهند این را از جمهوری اسلامی بگیرند. می‌خواهند ایجاد شک کنند. ایجاد تردید کنند درباره این انتخابات و این اتحادی را که مردم کردند، تا این اعتماد را متزلزل کنند، تا مشارکت را بگیرند، تا مشروعیت را از جمهوری اسلامی بگیرند.» [۲، ه]
- ❖ «امروز یکی از کارهای مهم دشمنان، ایجاد ناامیدی و تزریق ناامیدی است. در بخش‌های مختلف جوان را ناامید کنند، پیر را ناامید کنند، انقلابی سابق را ناامید کنند.» [۲، ی]



**۱۱) الگوی شبکه سازی،** برخی شبکه های اجتماعی مورد حمایت غرب که بیشترین نقش را در فرآیند مشروعیت زدایی از نظام سیاسی ایفاء می کنند و عبارتند از: شخصیت های دانشگاهی، روشن فکران لیبرال و سکولارها، صاحب نظران مذهبی جوان، فعالان اجتماعی و مدنی، گروه های زنان و روزنامه نگاران میانه رو، فعالان حقوق بشر در ایران، کانون مدافعان حقوق بشر، کمیته گزارشگران حقوق بشر، فراهم سازی دسترسی آسان کاربران به شبکه های اجتماعی مجازی، از اولویت های اول بازیگران نرم بوده و این دسته از شبکه های اجتماعی مجازی، بهتر می توانند مهندسی افکار را انجام دهند و در موقعیت های مختلف بازیگران مفید و مؤثر جنگ نرم می باشند.

**۱۲) نفوذ اجتماعی نبردی آرام:** رخنه در نهادهای اجتماعی و مدنی اثرگذار و در تصمیم سازی ها و تصمیم گیری های اجتماعی، سیاسی و ... اثرگذار هستند. «هوشیار باشیم؛ رخنه از جاهای مختلفی ممکن است باشد؛ مواظب باشید.» [۲، الف]

**۱۳) الگوی جنگ سیاسی:** «از خارج نترسید تا داخل آسیبی نبیند از خارج نباید ترسید، از داخل بترسید، ... آنها می دانند که از چه راه باید یک کشوری را به تباهی کشانند. آنها می دانند که باید از راه خود حکومت، از راه خود دولت، از راه خود مجلس، از راه خود اینها، این کارها را انجام بدهند.» [۱، ح]

**۱۴) جنگ برای دموکراسی سازی:** آموزه های لیبرالیسم، بی بندوباری، تضعیف باور ملی، و ... در قالب دموکراسی، کمک مالی به مخالفان ایران در چهارچوب گسترش لیبرال دموکراسی. [لیبرالیسم یا Liberalism، به معنای آزادی خواهی غربی است. آزادی مبتنی بر فرد گرایی و تکیه بر عقل بدون در نظر گرفتن وحی از عناصر اصلی تفکر لیبرالیستی می باشد. لیبرال دموکراسی نوعی از حکومت است که در آن یک دولت دموکراتیک، برخی ویژگی های لیبرالیسم را پذیرفته است. بر اساس اصول دموکراسی لیبرال، انتخابات باید آزاد و منصفانه، و روند سیاسی باید رقابتی باشد. تکررگرایی سیاسی معمولاً با حضور متعدد و مجزای احزاب سیاسی تعریف می شود.] [۲۲]

**۱۵) جنگ ایده ها (ایدئولوژیک):** جنگ ایده ها اغلب از مرزهای مذهبی و غیرمذهبی می گذرد. در جنگ ایده ها، هر قدرتی که ایده خود را در جهان تسری دهد، قدرت آینده از آن وی خواهد بود. «جنگ ما جنگ عقیده است، و جغرافیا و مرز نمی شناسد و ما باید در جنگ اعتقادی مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم.» [۱، خ]

**۱۶) جنگ اراده ها:** جنگ اراده ها معطوف به اراده و روحیه ملی و از منابع نرم می باشد. «جنگ های امروز دنیا در واقع جنگ اراده هاست و شما با ایستادگی و استحکام اراده ها و استفاده از ظرفیت های فراوان کشورتان خواهید توانست بر مشکلات پیروز شوید. هر طرفی که اراده اش زودتر ضعیف شود، شکست خواهد خورد.» «در دنیا یک جنگ عظیم و یک چالش بزرگ برپاست؛ جنگ توپ و تفنگ نیست، اما جنگ اراده ها و عزم ها و سیاست ها و تدبیرهاست.» «ملت ایران امروز با احساس قدرت و توانایی، در عرصه رویارویی بزرگ جنگ اراده ها با دشمنان پیشرفته کشور قرار دارد و آنچه در این نبرد اراده ها تعیین کننده خواهد بود، حفظ عزم و اراده مستحکم، بصیرت و روشن بینی، وحدت مردم و اتحاد کلمه مسئولان، وظیفه شناسی آحاد مردم و مغرور نشدن و غفلت نکردن از کید دشمن است.» [۲، الفب، الفپ، الفت]

**۱۷) نبرد محاسباتی:** در حقیقت در این نوع منازعه، بازیگر جنگ نرم با ابزارهای مختلف اعم از سخت (تهدید و تطمیع) و نرم (دیپلماسی، عملیات روانی، تصویرسازی، فریب استراتژیک و ...) می کوشد قوای محاسباتی و ادراکی بازیگر هدف را دچار اختلال ساخته و در نتیجه دچار اشتباه محاسباتی کند. [۳]

✓ «هدف اساسی دشمن این است که در دستگاه محاسباتی ما اختلال ایجاد بکند. دستگاه محاسباتی وقتی دچار اختلال شد، از داده های درست، خروجی های غلط به دست خواهد آورد؛ یعنی تجربه ها هم دیگر به درد او نخواهد خورد. وقتی دستگاه محاسباتی خوب کار نکرد، درست کار نکرد و محاسبه درست انجام نگرفت، تجربه ها هم دیگر به کار نمی آید.» [۲، الفج]

✓ «البته اینها حرفهای پنهان نیست. اوائل این حرفها را نمی گفتند، اما حالا مدتهائی است که دشمنان ما این حرفها را می گویند و به زبان می آورند. می گویند می خواهیم ملت ایران - حالا آنها می گویند مسئولین، اما در واقع ملت ایران مورد نظرشان است - محاسباتش عوض شود. ما با یک محاسبه‌ای، یک راهی را انتخاب کردیم. انقلاب اسلامی آمد تحولات عمده‌ای را در این کشور به وجود آورد؛ سلطنت را تبدیل کرد به حکومت مردم، مردم‌سالاری؛ وابستگی را تبدیل کرد به استقلال؛ عقب‌ماندگی تاریخی مزمن را تبدیل کرد به پیشرفت - که دارید می بینید - تحقیرشدگی را تبدیل کرد به اعتماد به نفس و احساس عزت؛ اینها کارهای انقلاب بوده. خب، دشمن ما، یعنی آن دستگاه مقتدر مادی که تا قبل از انقلاب بر اقتصاد این کشور و سیاست این کشور و فرهنگ این کشور و منابع این کشور و تصمیمهای مسئولان این کشور مسلط بوده، از این وضع ناراحت است؛ می خواهد این را عوض کند؛ چه کار کند؟ برای او تنها راه، منحصر در این است که ملت ایران و مسئولین ایران در نهایت به یک محاسبه‌ای برسند که احساس کنند ادامه‌ی این راه به صرفشان نیست. دشمن می خواهد این محاسبه را بر ذهن شما تحمیل کند؛ می خواهد من و شما به این نتیجه برسیم که صلاح نیست در مقابل آمریکا، در مقابل استکبار، در مقابل دستگاه‌های سیاسی تابع کارتل‌های گوناگون اقتصادی، خیلی هم بایستیم و خیلی هم مقاومت کنیم؛ از بعضی از حرفها باید دست بکشیم؛ کمالینکه گفتند دیگر. در یک برهه‌ای کسانی گفتند آقا ول کنید قضیه‌ی اسرائیل را، ول کنید قضیه‌ی فلسطین را، ول کنید قضیه‌ی عدالت در سطح جهانی و حمایت از ملت‌های عدالت‌خواه را، رها کنید این حرفها را؛ چه کار دارید؟ به خودتان بچسبید. این همان تغییر محاسبات است. دشمن این را می خواهد. در مقابل این، افسر جنگ نرم باید مقاومت کند.» [۲، الفج]

✓ «دشمنانی که جبهه‌ای را در مقابل کشور ما، ملت ما، انقلاب ما تشکیل دادند، سعی می کنند واقعیت‌سازی کنند، واقعیت‌نمائی کنند، یک چیزهائی را به عنوان واقعیت‌های مسلم در نظر ما جلوه‌گر کنند؛ در حالی که واقعیتها آنها نیست. باید مواظب باشیم درگیر و دچار واقعیت‌سازیهای خلاف واقع نشویم.» [۲، الفج]

✓ ... حضرت علی علیه‌السلام با زبیر و حضرت امام حسین علیه‌السلام با عمر بن سعد، مذاکره به معنای امروز یعنی معامله نکردند. بلکه هر دوی این بزرگواران به طرف مقابل خود نهیب زدند و آنها را نصیحت به خداترسی کردند. متأسفانه عده‌ای برای توجیه مذاکره‌ی جمهوری اسلامی ایران با شیطان بزرگ، با نگاهی عوامانه، اینگونه مسائل را در روزنامه‌ها، سخنرانی‌ها و فضای مجازی مطرح می‌کنند، که کاملاً اشتباه است. اما در مورد آمریکا موضوع متفاوت است زیرا آنها تعریفی که از مذاکره با جمهوری اسلامی ایران کرده‌اند، به معنای نفوذ و باز کردن راه برای تحمیل است. [۲، الفج]

✓ یک عده سعی نکنند چهره‌ی آمریکا را بزک کنند، آرایش کنند، زشتی‌ها و وحشت‌آفرینی‌ها و خشونت‌ها را از چهره‌ی آمریکا بزدایند در مقابل ملت ما، به‌عنوان یک دولت علاقه‌مند، انسان‌دوست معرفی کنند؛ اگر سعی هم بکنند، سعی‌شان بی‌فایده است. در طول تاریخ اقلاً هفتاد هشتاد سال اخیر - البته قبل هم خیلی حرفها در تاریخ آمریکا هست [که] نمی خواهیم حالا وارد آن حرفها بشویم - شما نگاه کنید در دنیا، ببینید آمریکا چه کار کرده؟ جنگهایی که آمریکا به راه انداخته است، انسانهای بی‌گناه و غیرنظامی‌ای که در این جنگها و در غیر این جنگها به خاک و خون کشانده است؛ دیکتاتورهایی که در شرق و غرب دنیا مورد حمایت آمریکا قرار گرفته‌اند - یکی از آنها محمدرضای پهلوی ایران بود و ده‌ها نفر از قبیل او در کشورهای آسیایی، در کشورهای آفریقایی، در کشورهای آمریکای لاتین، از نظامی و غیرنظامی - و سالهای متمادی به مردم خودشان ظلم کردند، خون مردم را به شیشه کردند، ثروتهای مردم را غارت کردند، پدر مردم را درآوردند. حمایت از اینها در کارنامه‌ی عمل آمریکا وجود دارد. حمایت از تروریسم بین‌الملل و حمایت از تروریسم دولتی؛ این دولت جعلی جنایتکار صهیونیستی که غاصب فلسطین است، ده‌ها سال است که مورد حمایت آمریکا است؛ مردم را میک‌شد، خانه‌ها را خراب می کند، ظلم می کند، جوانها را، زنها را، مردها را، کودکان را به زندان و حبس می کشاند؛ به بیروت حمله کردند، صبرا و شتیلا را نابود کردند، چه، چه؛ همه مورد حمایت آمریکا است. اینها در سیاهه‌ی اعمال آمریکا ثبت است. حمله‌ی به

عراق و کشتن دهها هزار انسان - آمارها را ما دقیق نمی دانیم، بلکه گفته می شود تا حدود یک میلیون عراقی را در طول این چند سال اینها مستقیم و غیر مستقیم از بین بردند؛ حالا من نسبت نمی دهم، اقلأ دهها هزار، [در صورتیکه] یکی اش هم زیاد است - انسانها را در عراق از بین بردند. در افغانستان یک جور دیگر، شرکتهای آدم کشی و ترور را - که من یکی [از آنها] را یک وقتی در یک سخنرانی، اسم آوردم: شرکت معروف «پلک واتر» آمریکایی که کار آن آدم کشی است، ترور است - انداختند به جان مردم؛ همین گروههای تندرو افراطی آدم کش تکفیری را اول اینها راه انداختند که حالا در یک جاهایی کمانه کرده و به خودشان هم دارد می خورد. آمریکا یک چنین دولتی است. بحث سر ملت آمریکا و مردم آمریکا نیست، آنها هم مثل بقیه ی مردمند؛ بحث سر رژیم آمریکا است، بحث سر دولت آمریکا است. چطور میشود این چهره را با بزک و آرایش تغییر داد در مقابل چشم ملت ایران؟

خود ما ملت ایران چه کشیدیم؟ از زمان کودتای بیست و هشتم مرداد، نزدیک به سی سال، بیست و پنج شش سال، حکومت ظالمانه ی محمدرضا - از بیست و هشتم مرداد [سال] ۳۲ تا سال ۵۷ - و بعد هم از پیروزی انقلاب، مرتب آزار و اذیت و بدجنسی و خبائت نسبت به ملت ایران. حالا مردم تحریم اخیر را می بینند؛ اینها از اول انقلاب تحریم را شروع کردند. در اوایل انقلاب هرکس خواست علیه انقلاب یک کاری بکند، آمریکایی ها از او حمایت کردند. چپ بود، راست بود، نظامی بود، غیر نظامی بود، برایشان فرقی نمی کرد؛ هر کسی علیه نظام جمهوری اسلامی انگیزه ای داشت - در شکل قومیت ها، در شکل آدمهای گوناگون - هر چه توانستند، کمک کردند؛ آخری آنچه مردم به چشمشان دیدند، فتنه ی سال ۸۸ است. رئیس جمهور آمریکا با کمال وقاحت ایستاد و از فتنه گران در تهران حمایت کرد؛ حالا هم اخیراً دارند حمایت می کنند. [۲، الفد]

**۱۸) جنگ رسانه ای، جنگ فضا سازی عمومی، جنگ تبلیغاتی:** «امروز جنگ ما کجا است؟ خب گفته می شود جنگ اقتصادی، درست هم هست. دشمن یک جنگ اقتصادی همه جانبه ای را علیه ما شروع کرده. اتاق جنگ هم دارند، با دقت هم دارند بررسی می کنند، مأمور دارند و دائم در حال تحرکند؛ در این تردیدی نیست، یک چنین جنگی ما داریم، لکن یک جنگ دیگری هم هست که از آن جنگ، خیلی اوقات غفلت داریم؛ اهمیت آن جنگ، کمتر از جنگ اقتصادی نیست، بلکه گاهی زمینه ساز تأثیر جنگ اقتصادی است؛ آن جنگ چیست؟ آن جنگ، جنگ رسانه ای، جنگ فضا سازی عمومی، جنگ تبلیغاتی است؛ خیلی مهم است. بله، از قبل هم این وجود داشته، علیه ما تبلیغات، همیشه زیاد بوده؛ امروز وضعیت، شدت بیشتری پیدا کرده است؛ مثل جنگ اقتصادی، قبلاً تحریم بود، امروز شدت پیدا کرده. در این جنگ دوّم، در این عرصه ی دوّم، شدت فعالیت دشمن و تحرک دشمن زیاد شده، چند برابر شده؛ ما نباید از این جنگ غفلت کنیم. خبرهای ما، اطلاعات ما نشان می دهد که - یعنی اینها اطلاع است، تحلیل نیست - تشکیلاتی به وجود آمده است به وسیله ی دستگاه جاسوسی رژیم صهیونیست و دستگاه جاسوسی آمریکا، اینها تشکیلات درست کرده اند، از سوی قارون های منطقه هم دارند پشتیبانی مالی می شوند؛ در اطراف کشور، در بعضی از این کشورهای نزدیک به ما، اصلاً نشسته اند برنامه ریزی می کنند و به طور جدّی دارند کار می کنند. بعضی هایشان لازم است زبان یاد بگیرند، زبان یاد می گیرند؛ بعضی لازم است با شرایط کشور آشنا بشوند، پول می دهند این کار را می کنند؛ برای اینکه بتوانند فضای فکری و تبلیغاتی کشور را آلوده کنند. و این مسئله، مسئله ی مهمی است؛ بسیار مسئله ی حسّاسی است؛ اینکه فضای تبلیغاتی کشور، فضایی باشد که مردم را، یا دچار اضطراب کند، یا دچار یأس و ناامیدی کند، یا دچار بدبینی کند - نسبت به یکدیگر و نسبت به دستگاهها - یا احساس بُن بست به مردم بدهد، یا حتی مشکلات مربوط به اقتصاد را افزایش بدهد.» [۲، الفز]

## تعاریف جنگ روانی:

✓ جنگ روانی، استفاده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن برای نفوذ در خصوصیات فکری دشمن با توسل به شیوه هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می شود.

- ✓ جنگ روانی، استفاده طراحی شده از تبلیغات و دیگر اقدامات در زمان جنگ یا وضعیت فوق العاده، برای تأثیر در افکار عمومی، هیجانات، نگرش ها و رفتار گروه های دوست و دشمن و بی طرفی است به گونه ای که از تحقق اهداف و مقاصد ملی پشتیبانی شود.
- ✓ جنگ روانی به همه فعالیت هایی اطلاق می شود که برای تأثیر بر افکار و رفتار گروه های بیگانه مورد نظر چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح صورت پذیرد.
- ✓ جنگ نرم، شامل فعالیت های بلند مدت، با توجه به نقاط آسیب پذیر سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی می باشد.
- ✓ جنگ روانی، اقداماتی نظیر نفوذ در شخصیت افراد می داند و با تکنیک هایی مانند شست و شوی مغزی و هیپنوتیزم انجام می گردد.
- ✓ جنگ روانی، عبارت است از: فعالیت هایی نظیر ترور، خشونت، جاسوسی، و براندازی، طراحی می شوند.
- ✓ جنگ روانی جزئی از جنگ نرم می باشد. [۳]
- ✓ «در جنگ نظامی هدف دشمن این است که مثلاً بیايد پایگاه طرف مقابل یا کشور مورد حمله را نابود کند و از بین ببرد، یا سرزمین را تصرف کند. در جنگ اقتصادی هدف این است که زیرساختهای اقتصادی را از بین ببرد. در جنگ نرم، هدف این چیزها نیست؛ این چیزها گاهی وسیله است برای آن هدف جنگ نرم. در جنگ نرم، هدف آن چیزی است که در دل شماست، در ذهن شماست، در مغز شماست؛ یعنی اراده ی شما. دشمن می خواهد اراده ی شما را عوض کند.» [۲، الفج]
- ✓ «اساس کار جنگ نرم بر پایه یک حرکت فرهنگی و روانی است.» [۲، الفذ]

### برخی از تاکتیک های جنگ روانی:

ساختن دشمن فرضی	تحریف (Distortion)	اخبار کنترل شده	سانسور (Censorship)
محک و تست کردن طرز فکر جامعه	پخش مطالب مبالغه آمیز (اغراق)	ادعا به جای واقعیت	گفتن بخشی از خبر
بزرگ نمایی	ترور شخصیت	شایعه (Rumour)	تفرقه

### «آشنایی با تعدادی از نظریه پردازان و استراتژیست های جنگ نرم»

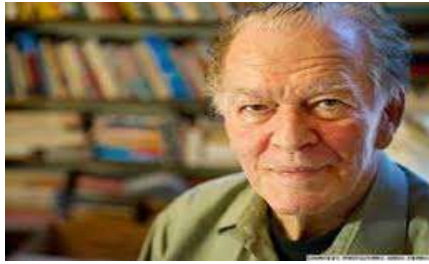
#### ۱- «جین شارپ» (Gene Sharp):

«جین شار» متولد ۲۱ ژانویه ۱۹۲۸ نورث بالتیمور در اهایو ایالات متحده آمریکا است. درگذشت ۲۸ ژانویه ۲۰۱۸ در سن ۹۰ سالگی، استاد ممتاز بازنشسته دانشگاه ماساچوست دارتموث است. وی نامزد جایزه صلح نوبل بوده است. جین شارپ دکترای فلسفه را از دانشگاه آکسفورد (۱۹۶۸) گرفت و پس از آن ده سال در انگلستان و نروژ به مطالعات گسترده در زمینه بی خشونتی پرداخت.

«جین شارپ»، در سال ۱۹۸۳ مؤسسه آلبرت اینشتین در کمبریج ماساچوست آمریکا با هدف گسترش تحقیق، مطالعه و آموزش در زمینه استراتژی های مقابله بی خشونت با دیکتاتورها، نسل کشی و جنگ تأسیس و فعالیت نمود.

«جین شارپ»، نظریه پرداز آمریکایی، دارای نظریه عملیات غیرخشونت آمیز و انقلاب های رنگین می باشد. نظریاتش در کتاب های «از دیکتاتوری به دموکراسی» و «کاربرد کنش بی خشونت: تمرین قرن بیستم و پتانسیل آن در قرن بیست و یک» و ... آمده است. وی در کتاب هایش درسهایی برای براندازان نرم در جهان طراحی نموده است. مانند: انقلاب مخملی چک اسلواکی، انقلاب مخملی صربستان، انقلاب گل رز در گرجستان، انقلاب نارنجی در اوکراین و انقلاب لاله ای در قرقیزستان.

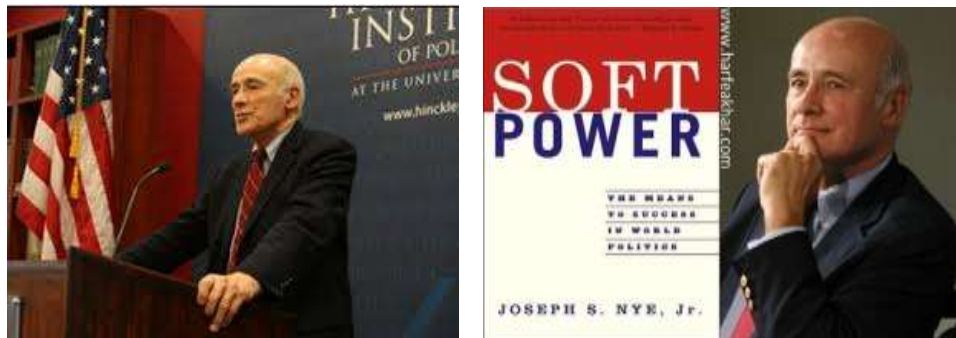
کلید اصلی نظرات او این است که قدرت یک پدیده یکپارچه، یک جا و برگرفته از ذات کسانی که خود را صاحب قدرت می‌دانند، نیست. به نظر او قدرت سیاسی یا قدرت در هر منطقه صرف نظر از ساختار سازمانی، به مردم آن منطقه مربوط می‌شود. باور او بر این پایه است که ساختار قدرت تکیه بر فرمانبرداران قدرت دارد. اگر مردم از صاحبان قدرت اطاعت نکنند، آن‌ها هیچ قدرتی ندارند.



او معتقد است تمامی ساختارهای مؤثر قدرت دارای سیستمهای تقویت‌کننده یا تهیج‌کننده فرمانبردارانشان (مردم) هستند. دولت‌ها روشهای پیچیده‌ای را به کار می‌گیرند تا مردم را فرمانبردار نگه‌دارند. این سیستمها با داشتن پلیس، قانون و سیستمهای نظارتی و حتی خصوصیات فرهنگی منطقه‌ای، فرمانبرداری را به مردم القا می‌کنند. با اشاره بر اینکه قدرت آن‌ها یکپارچه و همیشگی است یا روشهایی مثل حبس، جریمه، محرومیت یا مقام، ثروت و شهرت باعث حضور مردم در این سیستمها می‌شوند. «جین شارپ» ساختارهای پنهان قدرت را نمایان می‌کند تا پنجره‌ای برای تغییر مؤثر دولت‌ها، برای مردم فراهم آورد.

## ۲- جوزف نای (Joseph Nye):

«جوزف نای» متولد ۱۹۳۷، دانشمند و پژوهشگر سیاسی اهل ایالات متحده آمریکا است. اصطلاح **قدرت نرم** به نام او به ثبت رسیده است. به اعتقاد «جوزف نای»، فرهنگ آمریکائی با جاذبه بالای خود یکی از ستون‌های قدرت آمریکا و یکی از مهمترین ابزارهای نفوذ قدرت آن کشور در صحنه بین‌المللی است. «جوزف نای»، استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه هاروارد و ریاست این دانشگاه را نیز در کارنامه خود دارد. ریاست شورای اطلاعات ملی، دستیار وزیر دفاع و دستیار معاون وزیر خارجه را عهده دار بوده است.



«جوزف نای»، علاوه بر همکاری با روزنامه نیویورک تایمز، واشینگتن پست و وال استریت ژورنال، چندین کتاب از جمله «پارادوکس ابرقدرتی آمریکا در جهان» و «قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست‌های جهانی»، نگاشته است.

## ۳- جرج سوروس (George Soros):

«جرج سوروس»، در سال ۱۹۳۰ در **بوداپست** پایتخت مجارستان در خانواده **یهودی** متولد شد. سوروس در سال ۱۹۴۷، به انگلستان مهاجرت نمود و در سال ۱۹۵۲ از **مدرسه اقتصاد لندن** فارغ‌التحصیل شد. سوروس در این دانشگاه با **کارل پوپر** آشنا شد و به شدت تحت تأثیر افکار او قرار گرفت. شرکت مدیریت سرمایه سوروس (Soros Fund Management)، در سال ۱۹۶۹ توسط «جرج سوروس» در آمریکا راه‌اندازی شد. در حال حاضر دارای سهام قابل توجهی در شرکت‌های فورد، وای‌پی‌اف، هربالایف، اپل، اینتل، موتورولا سلوشنز،

هالیبرتون، فیسبوک، مایکروسافت و گوگل می‌باشد. این شرکت سرمایه‌گذاری آمریکایی می‌باشد که در زمینه مدیریت سرمایه‌گذاری، مدیریت صندوق‌های سرمایه‌گذاری، طرح‌های سرمایه‌گذاری جمعی و مبادلات سهام اختصاصی فعالیت می‌کند. «سوروس» ۸۸ ساله، تاجر، سرمایه‌گذار، بازرگان، کنشگر سیاسی، و نویسنده مجار، آمریکایی است.

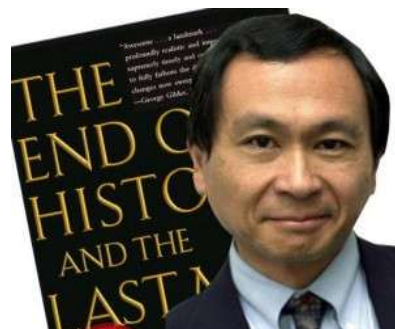
جرج سوروس، رئیس هیئت مدیره بنیاد جامعه باز یا بنیاد سوروس (منظور از جامعه باز را نه تنها در زمینه تجارت آزاد بلکه مهمتر از آن، در تحمل افکار جدید و اشکال متفاوت تفکر و زندگی می‌داند)، مدیریت سرمایه سوروس، بنیانگذار و رئیس هیئت مدیره شرکت مدیریت سرمایه سوروس می‌باشد. دفتر مرکزی این شرکت در شهر نیویورک آمریکا قرار دارد. کلیه سهام شرکت در اختیار خانواده سوروس قرار دارد. در فوریه ۲۰۱۸ مجله فوربز، جرج سوروس را با ثروت خالص ۲۲ میلیارد دلار آمریکا، جزء ۳۰ ثروتمند جهان می‌باشد.



➤ اظهار نظر جرج سوروس در اسفند ۱۳۸۹ در برنامه تلویزیونی CNN: «نظام جمهوری اسلامی ایران تا یک سال دیگر بیشتر دوام نخواهد آورد. چرا که رفتار مردم نسبت به گذشته تفاوت کرده‌است. وقتی مردم زندگی خود را با انگیزه‌های مشترک به خطر می‌اندازند. آنچه که غیرممکن به نظر می‌رسد در واقع امکان‌پذیر است. او گفت حاضر است بر سر این که رژیم جمهوری اسلامی تا یک سال دوام نخواهد آورد شرط‌بندی کند.» جرج سوروس، دونالد ترامپ را «خطری برای جهان» می‌داند. بر این باور است که او تا سال ۲۰۲۰ یا حتی زودتر در سمت رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا نخواهد ماند.

➤ منافقین خائن، خاندان پهلوی و سلطنت طلبان، رفاضان وابسته، عوامل استکباری و غربزدگان داخلی، نظریات نظریه پردازان جنگ نرم را با پول‌های کثیف کشورهای مرتجع عرب و مدیریت سردمداران کشورهای غربی و نیز عوامل دستگاه استکباری صهیونیستی، اجرایی نمودند و فتنه سال ۱۳۸۸ و نیز فتنه اشرار در آبان ماه ۱۳۹۸ را در برخی نقاط ایران شعله ور نمودند که مأموریتشان تخریب و آتش زدن و ویرانگری و نابود کردن اموال عمومی و اموال خصوصی و خانه‌های مردم و مانند اینها است، که مردم بیدار و با بصیرت و ولایی ایران با اقتداء به امام شهیدان، حمایت از ولایت فقیه و شهدای بزرگوار، توطئه آنها را خنثی نمودند. [۲۰]

#### ۴- شیعه به روایت فوکویاما:



✓ در سال ۱۹۸۶ یعنی در اوج پیروزی های رزمندگان اسلام در جبهه مقاومت علیه استکبار جهانی، فرانسیس فوکویاما در کنفرانسی در اورشلیم تحت عنوان بازشناسی هویت شیعه که توسط صهیونیستها برگزار شد، گفت: «شیعه پرنده ایست که افق پروازش خیلی بالاتر از تیرهای ماست. پرنده ای که دوبرال دارد: یک بال سبز و یک بال سرخ. بال سبز این پرنده همان مهدویت و عدالتخواهی اوست. چون شیعه در انتظار عدالت به سر می برد، امیدوار است و انسان امیدوار هم شکست ناپذیر است. نمی توانید انسانی را تسخیر کنید که مدعی است، کسی خواهد آمد که در اوج ظلم و جور، دنیا را پُر از عدل و داد خواهد کرد. شیعه با این دو بال، افق پروازش خیلی بالاست و تیرهای زهرآگین سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و ... به آن نمی رسد. این پرنده، زرهی به نام ولایت پذیری برتن دارد. در بین کلیه مذاهب اسلامی، شیعه تنها مذهبی است که نگاهش به ولایت فقیه است. یعنی فقیه می تواند ولایت داشته باشد. این نگاه، برتر از نظریه نخبگان افلاطون است.

✓ شاید این استدلال های قوی را از نظریه پردازان شیعه هم کم شنیده باشیم که فوکویاما به عنوان یکی از معماران نظریه های دنیای نو به زبان می آورد. [۲۱]

**نقش مردم در خنثی نمودن توطئه های دشمنان اسلام ناب محمدی(ص):** «حقیقتاً ملت ایران یک بار دیگر ثابت کردند که قدرتمندند، باعظمتند. بنده اصرار دارم که همه ی آحاد ملت به این اقتدار و عظمت خودشان توجه داشته باشند. یک توطئه ی عمیق و وسیع بسیار خطرناکی که آن همه هم پول خرجش شده بود - چقدر پول خرج کرده بودند - چقدر زحمت کشیده بودند که بتوانند در یک بزنگاهی، در یک فرصتی این حرکت تخریب و تحریق و آدم کشی و شرارت و مانند اینها را انجام بدهند و به مناسبت این قضیه ی بنزین فکر کردند که حالا این فرصت برایشان پیدا شده و لشکر خودشان را وارد میدان کردند، [لکن] این حرکت به وسیله ی مردم نابود شد. بله، نیروی انتظامی، بسیج، سپاه، دیگران در آن چند روز وارد میدان شدند و در مواجهه ی سخت، کار خودشان را، وظیفه ی خودشان را انجام دادند، لکن کاری که ملت در این یک هفته کردند، خیلی بالاتر بود، خیلی مهم تر بود از هر حرکت میدانی؛ [یعنی] این کاری که از زنجان و تبریز شروع شد، بعد به همه ی شهرهای کشور بلکه حتی شنیدم به بعضی از روستاها رسید، آخر هم پیروز در تهران این حرکت به این عظمت انجام گرفت. دشمن - آن دشمن اصلی، نه این آدمهای پست و حقیر و کوچک - یعنی استکبار جهانی، صهیونیسم جهانی، آنهایی که نشسته اند پشت مانیتورهای اساسی سیاسی خودشان و دارند دنیا را مراقبت می کنند، می فهمند که این حرکت یعنی چه؛ آنها تو دهنی می خورند، آنها وادار به عقب نشینی می شوند در مقابل حرکت عظیم ملت ایران. خدا را سپاسگزاریم، خدا را شاکریم و از ملت ایران سپاسگزار و شاکریم؛ و شکر این حقیر قیمتی ندارد، ارزشی ندارد، خدای متعال ان شاء الله شاکر این حرکت عظیم مردمی هست و خواهد بود.» [۲، الف]

### افول آمریکا

➤ «قدرت استکباری آمریکا، قدرت فتنه انگیزی و خباثت رژیم صهیونیستی، از چهل سال پیش به این طرف به مراتب تنزل کرده اند و پایین رفته اند؛ ما این را در محاسبات خودمان باید لحاظ کنیم. اینکه در وضع سیاسی آمریکا یا در وضع اجتماعی و اقتصادی آمریکا چه اتفاقاتی افتاده و دارد می افتد، باید در محاسبات ما وارد بشود. این را باز بعضی از خود آمریکایی ها گفته اند، بعضی ها می گویند «افول موریانه وار»؛ که این را [یک] نویسنده ی آمریکایی می گوید. در مورد افول اقتدار آمریکایی می گوید «افول موریانه وار»؛ یعنی مثل موریانه از درون دارد پوک می شود - خود نهادهای درون آمریکا این را می گویند - هم در عرصه ی اقتصادی این جور است، هم در عرصه ی اجتماعی این جور است، هم در عرصه ی سیاسی این جور است. آمارهای واضحی وجود دارد در مورد وضع اقتدار اقتصادی آمریکا و تأثیر آمریکا در اقتصاد جهانی که در طول این چندین دهه به شکل عجیبی سقوط کرده که حالا آمارهایش هست، یادداشتش را هم من دارم، منتها حالا جزئیات یادداشتها را لزومی ندارد که عرض بکنم. در بخش سیاسی هم اقتدار آمریکا افول کرده. برادران و خواهران عزیز! این را من به شما عرض می کنم: افول سیاسی آمریکا اگر یک دلیل - که حالا می گویم - بیشتر نداشته باشد کافی

است، و آن دلیل عبارت است از انتخاب فردی با مختصات آقای دونالد ترامپ در آمریکا. خود این انتخاب، نشانه‌ی افول سیاسی آمریکا است؛ سرنوشت سیصد و اندی میلیون جمعیت دست یک آدمی با این مختصات، نشانه‌ی افول سیاسی آمریکا است. کسی که در خود آمریکا نسبت به تعادل روانی او، تعادل فکری او، تعادل اخلاقی او این همه حرف هست، وقتی رئیس یک کشوری می شود، نشان‌دهنده‌ی افول آن کشور است؛ افول سیاسی، افول اخلاقی. از جنایتها و آدمکشی‌های رژیم صهیونیستی اینها به طور مرتب حمایت کردند و دفاع کردند؛ از جنایت مجموعه‌ی چند دولت در یمن و کشتار مردم بی‌گناه یمن اینها حمایت کردند؛ از جنایت حمایت می کنند؛ دیگر سقوط اخلاقی از این بالاتر؟ [۲، الف]

### «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

#### منابع:

۱. وب سایت امام خمینی(ره)، (الف: وصیت نامه سیاسی الهی امام راحل(ره)، جلد ۲۱ صحیفه نور، ص ۴۲۵ - ب: صحیفه نور، ج ۷، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۲۵۳ - پ: وصیت نامه سیاسی الهی امام راحل(ره)، جلد ۲۱ صحیفه نور، ص ۴۲۰ - ت: ج ۱۵، ص ۴۴۷ - ث: ۶۶/۱۱/۳۰ - ج: جلد ۹، ص ۱۸۶ - چ: جلد ۲۱، ص ۱۲۱ - ح: جلد ۱۶، ص ۴۴۶ - خ: جلد ۲۱، ص ۲۸۰]
۲. وب سایت مقام معظم رهبری، بیانات معظم له در تاریخ های: (الف: ۱۳۸۸/۶/۱۴، ب: ۱۳۹۴/۵/۲۶، پ: ۱۳۹۴/۷/۱۵، ت: ۱۳۹۴/۶/۲۵، ج: ۱۳۷۸/۲/۲۸، چ: ۱۳۹۴/۹/۴، ح: ۱۳۷۹/۱۲/۹، خ: ۱۳۷۹/۴/۱۹، د: ۱۳۷۹/۲/۲۳، ذ: ۱۳۷۵/۵/۹، ر: ۱۳۷۷/۱۱/۱۳، ز: ۱۳۸۳/۹/۱۱، ژ: ۱۳۸۵/۸/۱۷، س: ۱۳۸۸/۶/۴، ش: پیام به حجاج بیت ا... الحرام ۱۳۹۳، ص: ۸۸/۷/۲، ض: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری «اسلام ناب محمدی(ص) و اسلام آمریکایی»، ط: ۱۳۷۹/۳/۱، ظ: ۱۳۹۴/۷/۱۳، ع: ۱۳۷۰/۹/۲۰، غ: ۱۳۸۱/۱۲/۶، ف: ۱۳۷۱/۵/۲۱، ق: ۱۳۸۸/۳/۱۴، ک: ۱۳۷۱/۸/۱۳، گ: ۸۶/۲/۱۲، ل: ۹۳/۱/۱، م: ۱۳۷۹/۲/۱، ن: ۱۳۷۶/۱۲/۱۸، و: ۱۳۶۸/۳/۳۰، ه: ۱۳۸۸/۳/۲۹، ی: ۱۳۹۴/۱۰/۱۹، الف: ۱۳۹۴/۱۰/۱۹، الب: ۹۴/۶/۴، الفب: ۹۴/۹/۳، الفپ: ۸۶/۲/۳۱، الفت: ۹۱/۷/۲۲، الفج: ۹۳/۵/۱، الفح: ۱۳۹۱/۵/۱۶، الفد: ۱۳۹۱/۵/۳، الفه: ۱۳۹۱/۵/۳، الفو: ۱۳۹۴/۷/۱۵، الفز: ۱۳۹۲/۱۱/۲۸، الفح: ۱۳۹۴/۷/۱۵، الفذ: ۱۳۷۸/۱۲/۲۳، الفذ: ۱۳۷۸/۱۲/۲۳، الفه: ۹۸/۹/۶، الفو: ۹۷/۶/۱۵، الفز: ۹۸/۳/۱۴، الفس: ۱۳۸۷/۳/۱۴، الفش: ۱۳۹۵/۷/۵، الفص: ۱۳۹۷/۳/۳۰، الفض: ۱۳۷۱/۵/۲۱، الفط: ۱۳۷۷/۲/۲۲)
۳. باقری چوکامی، سیامک، موج چهارم جنگ نرم، انتشارات زمزم هدایت، قم، چاپ اول، ۱۳۹۵
۴. سراج، رضا، اخوان، محمدجواد، از جنگ نرم هوشمند تا نبرد محاسبات، انتشارات دیدمان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵
۵. عبدی، حسین، جنگ نرم، دفتر نشر معارف، چاپ چهارم، ۱۳۹۲
۶. برتراند راسل، ترجمه نجف دریابندری، قدرت، تهران، نشر نی، ۱۳۶۸، ص ۲۹
۷. رضائیان، علی، مدیریت رفتارهای سیاسی در سازمان، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۶، ص ۷
۸. جوزف نای، متن سخنرانی جوزف نای درباره جنگ نرم، دسترسی در [www.gerdab.ir](http://www.gerdab.ir)
۹. عباسعلی، عمیدزنجانی، انقلاب اسلامی ایران(علل، مسائل و نظام سیاسی)، نشر معارف، قم، ۱۳۸۱، ص ۷۴-۷۸
۱۰. [www.asipress.ir](http://www.asipress.ir)
۱۱. جوزف نای، قدرت نرم ابزارهای موفقیت در سیاست خارجی، ص ۱۹۵-۱۹۷
۱۲. [www.asriran.com](http://www.asriran.com)
۱۳. مطهری، مرتضی، انسان و ایمان، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۵۷، ص ۴۳-۴۵
۱۴. مطهری، مرتضی، ده گفتار، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸، ص ۵۱
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین، بررسی های اسلامی، جلد ۳، ص ۳۳۴
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، تفسیرالمیزان، جلد ۱۱، ص ۲۲۴
۱۷. مرتضی، مطهری، مجموعه آثار، قم، انتشارات صدرا، ج ۳، ص ۴۰۴
۱۸. مرتضی، مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۵، ص ۱۷۳-۱۷۴
۱۹. مرتضی، مطهری، نهضت های اسلامی در صد سال اخیر، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۶، ص ۹۰-۹۲
۲۰. <http://www.irdiplomacy.ir>
۲۱. <http://hawzah.net>



تهیه کننده: حوزه بسیج شرکت ملی پالایش و پخش

«با آرزوی موفقیت و توفیق الهی» - «ویرایش اول، آذر ۱۳۹۸»